اذکار صالحین

**جمع و ترتيب از:**

**دكتور نظام الدين «نافع»**

**استاد پوهنتون (دانشگاه) اسلامی   
بین المللی اسلام آباد- پاکستان**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | اذکار صالحین | | | |
| **جمع و ترتیب:** | دوکتور نظام الدین «نافع» | | | |
| **موضوع:** | آداب و رسوم اسلامی – دعا، ذکر و مناجاتنامه | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc294188157)

[پیشگفتار 1](#_Toc294188158)

[انگیزه نوشتن این رساله: 1](#_Toc294188159)

[دعا و نيايش 3](#_Toc294188160)

[فضائل و خوبی‌های دعا 4](#_Toc294188161)

[شروط دعا کننده 7](#_Toc294188162)

[یاددهانی: 7](#_Toc294188163)

[اوقات و حالاتیکه در آن‌ها دعا قبول می‌گردد: 9](#_Toc294188164)

[کسانیکه دعای‌شان به اجابت می‌رسد: 9](#_Toc294188165)

[آداب دعا و مستحبات آن: 9](#_Toc294188166)

[چرا دعا به اجابت نمی‌رسد؟ 10](#_Toc294188167)

[نمونه از دعاهای انبیاء† در قرآن مجید: 11](#_Toc294188168)

[سائر دعاهای قرآنی 19](#_Toc294188169)

[دعای اصحاب کهف: 19](#_Toc294188170)

[دعای آسیه زن فرعون: 19](#_Toc294188171)

[آیه‌های شفا: 21](#_Toc294188172)

[احادیث شفا 22](#_Toc294188173)

[استغفار و طلب آمرزش 24](#_Toc294188174)

[فضیلت تلاوت قرآن مجید 27](#_Toc294188175)

[فضیلت درود گفتن بر پیامبر بزرگوار اسلام **ج** 29](#_Toc294188176)

[فضیلت اسماء الله تعالی 33](#_Toc294188177)

[طریقۀ خواندن اسماء الله تعالی: 34](#_Toc294188178)

[اسماء الله تعالى: 34](#_Toc294188179)

[ترجمه و شرح اسماء الله تعالی: 35](#_Toc294188180)

[خواص اسماء الله تعالی: 49](#_Toc294188181)

[اسم اعظم خداوند**أ** 52](#_Toc294188182)

[اوراد و اذکار صبح و شام 57](#_Toc294188183)

[بخش قرآنی: 58](#_Toc294188184)

[احادیث نبوی **ج**: 58](#_Toc294188185)

[اوراد بخش قرآنی: 58](#_Toc294188186)

[طریقه وضوء و دعاهای آن 79](#_Toc294188187)

[نماز خواندن 81](#_Toc294188188)

[طریقه ادای نماز 81](#_Toc294188189)

[نماز استخاره 84](#_Toc294188190)

[نماز حاجت: 86](#_Toc294188191)

[دعاهای متفرقه 87](#_Toc294188192)

[دعای وقت بیرون شدن از منزل: 87](#_Toc294188193)

[دعای مسافر: 87](#_Toc294188194)

[دعای وقت روان شدن به سفر: 88](#_Toc294188195)

[دعای وقت سوار شدن بوسایل سفر: 88](#_Toc294188196)

[دعای بازگشت از سفر: 89](#_Toc294188197)

[دعای طلب باران: 89](#_Toc294188198)

[دعای وقت داخل شدن به مسجد: 90](#_Toc294188199)

[دعای وقت بیرون شدن از مسجد: 90](#_Toc294188200)

[دعای وقت داخل شدن به بازار: 91](#_Toc294188201)

[دعای داخل شدن به بیت الخلاء: 91](#_Toc294188202)

[دعای وقت بیرون شدن از بیت الخلاء: 91](#_Toc294188203)

[دعای تعزیت: 91](#_Toc294188204)

[دعای زیارت قبور: 92](#_Toc294188205)

[دعای پیش از شروع طعام: 92](#_Toc294188206)

[دعای بعد از فراغت از طعام: 93](#_Toc294188207)

[دعای مهمان برای میزبان: 93](#_Toc294188208)

[دعای روزه دار برای کسیکه او را افطاری داده است: 93](#_Toc294188209)

[دعای وقت افطار: 93](#_Toc294188210)

[دعای وقت عیادت مریض: 94](#_Toc294188211)

[دعای عطسه زننده: 94](#_Toc294188212)

[دعای برای کسیکه ازدواج نموده است: 94](#_Toc294188213)

[دعای خیر و برکت بر متاعی که انسان خریداری می‌کند: 94](#_Toc294188214)

[دعای وقت دیدن ماه نو: 95](#_Toc294188215)

[دعای وقت دیدن در آینه: 95](#_Toc294188216)

[دعای وقت آواز رعد و برق: 95](#_Toc294188217)

[دعای وقت نوشیدن آب زمزم: 96](#_Toc294188218)

[دعای ختم مجلس: 96](#_Toc294188219)

[دعای وقت همبستر شدن با همسر: 96](#_Toc294188220)

[دعای قبل از خواب: 96](#_Toc294188221)

[دعای وقت بیدار شدن از خواب: 97](#_Toc294188222)

[دعای عقیقه: 97](#_Toc294188223)

[دعای قنوت: 98](#_Toc294188224)

[دعای نجات از غم و اندوه: 98](#_Toc294188225)

[دعای بی‌قراری: 99](#_Toc294188226)

[دعای رفع نا آرامی و یا ترس در خواب: 100](#_Toc294188227)

[دعای برای عزت و رسیدن بمقام و منصب: 100](#_Toc294188228)

[دعای طلب علم: 101](#_Toc294188229)

[دعا برای جلوگیری از امراض خطرناک: 101](#_Toc294188230)

[دعای صحتی و سلامتی: 101](#_Toc294188231)

[دعای نجات از شرک: 101](#_Toc294188232)

[دعای وقت دیدن مصیبت زده: 102](#_Toc294188233)

[دعای بعد از اذان: 102](#_Toc294188234)

[دعای وقت روبرو شدن به دشمن: 102](#_Toc294188235)

[دعای درخواست اخلاق حسنه: 102](#_Toc294188236)

[دعای جنازه: 103](#_Toc294188237)

[دعای برای جنازه پسر نابالغ: 104](#_Toc294188238)

[دعا برای جنازه دختر نابالغ: 104](#_Toc294188239)

[دعای برای علاج بی‌خوابی: 104](#_Toc294188240)

[دعای سجده تلاوت: 105](#_Toc294188241)

[دعای وقت شنیدن آواز خروس: 105](#_Toc294188242)

[دعای وقت شنیدن عرعر خر: 105](#_Toc294188243)

[دعا برای نجات حاصل کردن از عادات و اخلاق ناپسند: 106](#_Toc294188244)

[دعا برای رفع مشکلات: 106](#_Toc294188245)

[دعا جهت نجات یافتن از قرض داری: 106](#_Toc294188246)

[دعا برای پدر و مادر: 106](#_Toc294188247)

[شش کلمه دین 109](#_Toc294188248)

[اول کلمۀ طیبه: 109](#_Toc294188249)

[دوم کلمه شهادت: 109](#_Toc294188250)

[سوم کلمۀ تمجید: 109](#_Toc294188251)

[چهارم کلمه توحید: 110](#_Toc294188252)

[پنجم کلمه استغفار: 110](#_Toc294188253)

[ششم کلمه رد کفر: 110](#_Toc294188254)

[وظیفه نهایت آسان و پر وزن در صحیفه اعمال: 113](#_Toc294188255)

[فهرست مآخذ 115](#_Toc294188256)

[آثار علمی مؤلف 117](#_Toc294188257)

پیشگفتار

نحمده ونصلي على رسوله الكريم وعلى آله وأصحابه أجمعين.

و بعد: خداوندأ را نهایت سپاس‌گذارم که بمن توفیق ارزانی نموده است تا توانستم مجموعه‌ای از اذکار قرآنی، و احادیث گرانب‌های آنحضرت ج را جمع‌آوری نمایم.

انگیزه نوشتن این رساله:

هدفم از جمع‌آوری این رساله دو چیز بوده است:

1. بسیاری از مردم را می‌دیدم که بعضی از اذکار را ورد خود ساخته و به خواندن آن‌ها صبح و شام مبادرت می‌ورزند درحالیکه خواندن این اذکار نه از آیات قرآنی بوده و نه هم از احادیث نبوی ج، و نه هم در کدام حدیث و اثری خواندن آن‌ها ثابت شده است، و حتی در خواندن بعضی از این اذکار مبالغه و گزاف گوی‌های زیادی بعمل آمده است، و بمنظور تشویق و ترغیب خواننده روایات و اسناد بی‌اساس و بی‌محتوی ساخته و بافته عده‌ای از مردم بی‌خرد و نادان در آن‌ها درج و ثبت شده است، و از طرف بعضی از چاپ خانه‌ها که هدف‌شان جز فروش نشرات‌شان چیز دیگری نیست به نشر سپرده شده است. بناء لازم دیدم جزوه را که از آیات قرآنی و احادیث نبوی شریف منتخب شده است به نشر سپارم.
2. همسرم والده عبدالباسط جان که علاقه شدیدی به خواندن اذکار دارد، همیشه بمن توصیه می‌نمود که مجموعه‌ای از اذکار را جمع، و به زبان دری که یکی از زبان‌های رسمی ملت مسلمان افغانستان است ترجمه نمایم تا برای خودش و دیگر خوانندگان این رساله سهولت میسر گردد، که اینک بحمد الله تعالی رساله موصوف آماده طبع شده خدمت خوانندگان بی‌نهایت عزیز و مهربان تقدیم می‌گردد.

این را باید تذکر دهم که شاید بعضی‌ها بگویند که خواندن تمام این مجموعه همه روزه وقت زیادی را دربر می‌گیرد، و از جانبی برای خواننده نیز ملال و کسالت پیدا می‌شود. در جواب باید گفت: که خواندن تمام این مجموعه همه روزه ضروری نبوده بلکه هدف از نوشتن آن این است که که اگر کسی می‌خواهد کدام ذکر و اورادی را بخواند می‌تواند به قدر توان و مطابق ذوق خویش همان اذکاری را انتخاب نماید که خواندن آن‌ها اساس شرعی داشته و برای خواننده ثواب و اجر حاصل گردد. مثل عربی است که می‌گویند: «ما لا يُدرك كله لا يُترك جُله». «اگر کسی همه چیزها درک نمی‌گردد همه آن‌ها ترک هم نمی‌گردد».

در اخیر از همه خوانندگان این مجموعه تقاضا می‌نمایم که این بنده حقیر را از دعای خیر خویش فراموش نساخته و در جمله کسانی که در دعای خود شامل می‌سازند شاملم گردانند.

وصلى الله تعالى على خير خلقه محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين.

وبالله التوفيق وبه نستعين.

اسلام آباد - پاکستان.

دکتور نظام الدین «نافع»

تاریخ10/2/2008م

دعا و نيايش

دعا و نیایش یکی از مهم‌ترین وسائل ارتباط بندگان با خداوندأ است، و روح هر عبادتی قرب به خداوند و راز و نیاز با او می‌باشد. دعا بهترین عبادت و وسیله‌ای حرکت با دوبالی است که انسان با دعا هم از امکانات مادی کمک می‌گیرد و هم از امدادهای غیبی نیرو می‌یابد. دعا آنگاه با اجابت مقرون می‌گردد که همراه با ایمان و اخلاص بوده و دعا کننده مطیع فرامین خداوند بگردد، و از صمیم قلب به اجابت دعای خویش ایمان داشته باشد. دعا از هر کس، و در هرکجا، و در هر وقت و زمانی که باشد، اگر خداوند بخواهد قبول می‌گردد. دعا کننده در دعای خویش همرنگی تمام عیاری با همۀ جهان هستی می‌کند. ﴿كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ﴾ [الروم: 26]. «همه به او فرمان برند».

اگر ما کمی دقیق در مسأله دعا بنگریم می‌بینیم که همۀ موجودات در حال درخواست از خداوند جل وعلا شأنه می‌باشند. ﴿يَسۡ‍َٔلُهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ٢٩﴾ [الرحمن: 29]. «تمام کسانیکه در آسمان‌ها و زمین است از او [حاجات خود را] می‌جویند او هر روز در شأنی است».

هیچ فرد مسلمانی از اثرات روانی، اجتماعی، و تربیتی دعا بی‌خبر نمی‌باشد زیرا انسان برای تقویت اراده خویش و برطرف ساختن نا راحتی‌های خود به تکیه گاهی احتیاج دارد که او را یاری و مدد نماید و آن همان ذات پاک خداوندأ است. دعا چراغ امید را در انسان روشن می‌سازد، و انسان بوسیلۀ دعا و تضرع شایستگی بیشتری برای بدست آوردن فیوضات خداوند حاصل میکند. وقلب و روحش از طریق دعا پیوند نزدیکی به خداوند پیدا می‌نماید.

فضائل و خوبی‌های دعا

در رابطه به فضائل و اهمیت دعا آیات و احادیث فراوانی آمده است که در اینجا بعضی از آیات و احادیث به سمع خوانندگان عزیز رسانیده می‌شود.

آیات قرآنی:

1. اوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ ١٨٦﴾ [البقره: 186].

ترجمه: «هنگامیکه بندگان من از تو در بارۀ من سؤال کنند من یقینا (با ایشان) نزدیکم چون دعا کننده مرا بخواند، دعایش را اجابت می‌کنم پس آن‌ها باید دعوت مرا بپذیرند و باید بمن ایمان بیاورند تا باشد که براه راست رهیاب گردند».

سبب نزول آیه مبارک:

برای این آیه مبارک چندین سبب نزول ذکر شده است مگر مآل همه آن‌ها یک چیز است و آن عبارت از دعا و خواست از خداوندأ می‌باشد. امام ابن جریر طبری/ از معاویه پسر حیده که وی از پدر خویش روایت می‌کند چنین گفته است: «قال: جاء أعرابي إلى النبي ج فقال: أَقرِيبٌ ربُّنَا فنناجِيهِ ، أم بعيد فنُناديهِ؟»[[1]](#footnote-1). «اعرابی نزد آنحضرت ج آمد و گفت: آیا پروردگارما نزدیک است که او را آهسته بخوانیم یا دور است که او را بآواز بلند بخوانیم؟ آنحضرت در برابر سؤالش خاموشی اختیار نمود سپس آیۀ مبارک نازل شد».

و نیز چنین روایت شده است: «أن النبي ج سمع المسلمين يدعون الله بصوت مرتفع في غزوة خيبر، فقال لهم: أَيُّهَا النَّاسُ! ارْبَعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ إِنَّكُمْ لَيْسَ تَدْعُونَ أَصَمَّ وَلاَ غَائِبًا إِنَّكُمْ تَدْعُونَ سَمِيعًا قَرِيبًا وَهُوَ مَعَكُمْ»[[2]](#footnote-2). «پیامبر اسلام ج در غزوه خیبر از مسلمانان شنید که بآواز بلند خدا را می‌خوانند، آن حضرت با ایشان فرمود: ای مردم آواز خود را آهسته کنید همانا شمایان کر و غایب را دعا نمی‌کنید بلکه شما کسی را که شنوا است و بشما نزدیک است میخوانید و او با شما است». (و این را باید دانست که مراد از قرب و نزدیکی خداوند به بنده قرب مکانی نبوده بلکه مراد از آن قرب علم و اجابت دعوت و خواست بنده است).

در آیه مورد بحث خداوند هفت مرتبه بذات پاک خود اشاره می‌کند، و هفت بار به بندگان، این امر نهایت قرب و ارتباط و پیوستگی و محبت خدا را به بندگانش ثابت می‌سازد. و می‌فرماید: ﴿فَٱدۡعُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١٤﴾ [غافر 14]. ترجمه: «پس خدا را بخوانید و عبادت و طاعت را خاص از آن او بدانید هر چندیکه کافران دوست نداشته باشند».

1. و می‌فرماید: ﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ﴾ [النمل: 62].

ترجمه: «آیا کیست که دعای درمانده‌ای را چون به او نیایش نماید اجابت می‌کند و بدی را دور می‌سازد؟».

احادیث نبوی:

از پیامبر بزرگوار اسلام ج در رابطه با دعا احادیث زیادی روایت شده از آنجمله به روایت امام ترمذی از حضرت انسس چنین آمده است. «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ». «دعا مغز عبادت است». و در روایت نعمان پسر بشیر از آن حضرت ج چنین نقل شده است: «الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ». «دعا عبادت است»[[3]](#footnote-3). و در روایت حضرت علیس از آنحضرت ج باین عبارت نقل قول شده است: «الدُّعَاءُ سِلاحُ الْمُؤْمِنِ، وَعِمَادُ الدِّينِ، وَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ»[[4]](#footnote-4). «دعا سلاح مؤمن، و ستون دین، و نور آسمان‌ها و زمین است». آیا دعا منافی رضا و تسلیم در برابر خداوندأ است؟ کسانیکه می‌گویند: دعا کردن مداخله در کار خدا است و خداوند هرچه مصلحت بنده را بداند انجام می‌دهد، و او مصالح ما را از خود ما بهتر می‌داند، بناء بر آن ضرورت به دعا نیست. این مردم چنانچه قبلاً هم تذکر گردید از اثرات روانی، اجتماعی و تربیتی دعا و نیایش بی‌خبر‌اند و این را نمی‌دانند که دعا بذات خودش عبادت و خضوع و بندگی است. و انسان توسط دعا ارتباط خاصی به خداوند پیدا می‌کند چنانچه می‌فرماید: ﴿ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡ﴾ [غافر: 60]. ترجمه: «مرا نیایش کنید تا -دعای- شما را اجابت کنم». یکی از اهداف مهم عبادت همانا نیایش، تضرع، و اظهار عجز و انکسار در برابر خداوند و منقاد شدن به قدرت کامله اللهأ می‌باشد. چنانکه می‌فرماید: ﴿ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةًۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ٥٥﴾ [الأعراف: 55]. «پروردگارتان را با تضرّع و نهانى [به نیایش‏] بخوانید. بى‌گمان او از حد گذرندگان را دوست نمى‏دارد».

شروط دعا کننده

دعا کننده باید باین عقیده باشد که تنها کسیکه قادر و توانا بر اجابت دعای من است همانا خداوند یگانه و یکتا است و تمام وسائل و اسباب به اراده و فرمان خداوند کارگر می‌افتد و باید دعاکننده در حین دعا نمودن نیت خود را تصحیح نماید، و از صدق دل و حضور قلب دعا کند چرا که خداوند دعای کسیکه از دل غافل او را می‌خواند نمی‌پذیرد. و از خوردن غذای حرام پرهیز نماید، و از دعا کردن احساس ملال نکند.

یکی از علماء بنام سهل ابن شستری شروط دعا را هفت چیز وانمود کرده است: تضرع، خوف، امید، مداومت بر دعا، عام گردانیدن دعا، و خوردن روزی حلال، و بعض علماء این چهار چیز را شرائط دعا گفته‌اند:

1. به تنهای قلب خود را حفاظت کند.
2. همراه با مردم زبان خود را کنترول نماید.
3. و نظر خود را از نا محرم منع نماید.
4. و شکم خود را از حرام پاک کند.

یاددهانی:

این نکته قابل تذکر است که دعا کننده باید در دعای خود از خداوند چیزهای را که حرام و ناجائز قرار داده است نخواهد، گناه و معاصی ننماید، قطع صله رحم نکند، به حقوق مسلمانان تجاوز ننماید، و ظلم و تعدی نکند، و در اجابت دعا عجله ننماید، باین معنی که بگوید من دعا زیاد نمودم ولی خداوند دعای من را نه پذیرفت. بناء باید بنده مسلمان به همه این امور پای بندی نماید تا اگر خداوند بخواهد دعایش بزودی مورد اجابت بارگاه ذات اقدس الهی قرار گیرد. پیامبر بزرگوار اسلام ج در حدیثی چنین فرموده‌اند: «عن أبي هريرةس أن رسول الله ج قال: تستجاب لأحدكم ما لم يعجل يقول: قد دعوت ربي فلم يستجب لي»[[5]](#footnote-5).

«از حضرت ابو هریرهس روایت شده که: آنحضرت ج فرمود: دعای یکی از شما اجابت می‌شود تا مادامی که شتاب نکند و بگوید: به پروردگارم دعا نمودم و دعای مرا اجابت نکرد». ونیز آنحضرت ج می‌فرماید: «عن عُبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِس أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ج قَالَ: مَا عَلَى الأَرْضِ مُسْلِمٌ يَدْعُو اللَّهَ بِدَعْوَةٍ إِلاَّ آتَاهُ اللَّهُ إِيَّاهَا أَوْ صَرَفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا مَا لَمْ يَدْعُ بِمَأْثَمٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ. فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: إِذًا نُكْثِرَ. قَالَ: اللَّهُ أَكْثَرُ». [رواه الترمذي وقال: حديث حسن. ورواه الحاكم من رواية أبي سعيد وزاد فيه]: «أو يُدَخَّرُ له من الأجر مثلها»**.**

«از حضرت عباده بن صامتس روایت شده است که: آن حضرت ج فرمود: بر روی زمین مسلمانی نیست که دعا به دربار خدا نماید مگر اینکه خداوند دعای وی را اجابت می‌نماید و یا مثل آنرا از بدی از وی دور می‌گرداند. مادامی که به گناه و قطع صله رحم دعا نکند. مردی از میان قوم گفت: ازین به بعد زیاد دعا می‌کنیم. آنحضرت فرمود: خداوند بیشتر (یعنی احسان و لطف خداوند از درخواست شما زیادتر است». این حدیث را امام ترمذی/ روایت نموده و گفته است که حدیث حسن و صحیح است. اما حاکم در روایتش چنین افزوده است: «و یا خداوند برای او مانند پاداش او را ذخیره می‌کند».

اوقات و حالاتیکه در آن‌ها دعا قبول می‌گردد:

اوقات وحالاتیکه ذیلا می‌نگاریم در احادیث شریف اوقات و حالاتی گفته شده که دعای بنده مسلمان به اجابت می‌رسد:

وقت سحری، وقت گشادن روزه (افطار)، میان اذن و اقامت، حالت تنگدستی و مضطر بودن، وقت نزول باران، میدان جنگ، یعنی در میدان کارزار با کفار، بعد از نمازهای فرض، در وقت ادا کردن نماز تهجد، در وقت سجده، ساعتی در شبانه روز جمعه، شب قدر، وقت نوشیدن آب زمزم، در روز عرفه، در میدان عرفات، (روز نهم ذی الحجه). بعد از تلاوت قرآن مجید، در وقت بانک دادن خروس، بعد از «ولا الضالین» گفتن امام، و زمانی که نظر شخص در اول مرتبه بر خانه کعبه می‌افتد، و در تمام ماه مبارک رمضان.

کسانیکه دعای‌شان به اجابت می‌رسد:

دعای این اشخاص بنا به احادیثکه در مورد از آن حضرت ج روایت شده است زودتر قبول می‌گردد:

دعای والدین برای اولاد، دعای اولاد صالح و خدمت‌گذار پدر و مادر، دعای مظلوم و ستمدیده، دعای حاکم عادل و با انصاف، دعای مسافر، مخصوصا دعای مسافریکه بمنظور خانه خدا سفر می‌کند، و یا بهدف فرا گرفتن علوم شرعی مسافر می‌شود، دعای روزه‌دار در وقت افطار، دعای مسلمان برای برادر مسلمان بالخصوص دعای که در غیاب شخص صورت بگیرد، دعای مریض، و دعای مردم نیکوکار و صالح.

آداب دعا و مستحبات آن:

علماء کرام چیزهای ذیل را آداب و مستحبات دعا گفته‌اند:

اخلاص نیت، با یقین کامل از خداوند چیزی خواستن، در دعای خود شک و تردید راه ندادن، بجز از خداوند از هیچکس چیزی نخواستن، هر خواست و دعای خویش را سه بار تکرار نمودن، نخست برای خود و سپس برای دیگران دعا نمودن، به گناه خویش اعتراف نمودن، و از خداوندأ بخشش و عفو خواستن، به عجز و انکسار زیاد مطلوب خود را پیشکش نمودن، نعمت‌های خداوند را یاد دهانی و از خداوند توفیق شکر کردن، در اول و آخر دعا حمد و ثنای خداوند را نمودن، در دوران دعا در گفتار و عمل هیبت خداوند را در دل داشتن، پیش از دعا و بعد از آن بر روان پاک پیامبر بزرگوار اسلام تحیت و درود فرستادن، هر دو دست خود را در برابر سینۀ خود جدا و گشاده قرار داده سپس دعا کردن، و در وقت دعا نمودن از خداوند با اصرار و الحاح زیاد چیزی خواستن بگونه ایکه شخص سائل بسیار گرسنه‌ای از کسی غذا و طعام بخواهد.

چرا دعا به اجابت نمی‌رسد؟

1. خداوند را میشناسی اما حق او را ادا نمی‌نمایی.
2. قرآن مجید را تلاوت می‌کنی مگر به آن عمل نمی‌کنی.
3. دعوی محبت رسول ج را می‌نمای، اما به سنت و طریقه نورانی پیامبر بزرگوار اسلام ج عمل نمی‌کنی.
4. جنت را از خداوند خواهانی اما برای داخل شدن به جنت عمل نمی‌کنی.
5. دعوی دشمنی با شیطان داری اما با شیطان مخالفت نمی‌کنی.
6. مردن را حق می‌دانی اما برایش آمادگی نمی‌گری.
7. به پیدا کردن روزی حلال مأموری مگر نه روزی حلال می‌خوری و نه هم لباس حلال به تن داری.

نمونه از دعاهای انبیاء**†** در قرآن مجید:

و قتی ما قرآن مجید را تلاوت مینماییم در بسا سورهای قرآن کریم به مناجات و راز و نیازهای حضرات انبیاء‡ آگاهی پیدا می‌کنیم. و می‌بینیم که این علم برداران توحید و رادمردان و بزرگان تاریخ بشریت به حضور پروردگار خویش دست دعا بلند نموده با عجز و انکسار به راز و نیاز می‌پردازند، و از خدای خویش عرض مسئلت می‌نمایند بطور نمونه.

1. حضرت ابو البشر آدم÷ چنین التجا می‌کند: ﴿رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٢٣﴾ [الأعراف: 23].

ترجمه: «پروردگارما! ما بر خویشتن ستم کردیم، و اگر تو ما را نیامرزی و بر ما رحمت خویش را ارزانی نفرمای، ما یقینا از زمره زیانکاران می‌باشیم».

1. حضرت نوح÷ این طور عرض و نیاز به پروردگار خویش می‌نماید: ﴿فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغۡلُوبٞ فَٱنتَصِرۡ ١٠﴾ [القمر: 10]. نوح÷ به پروردگار خویش چنین نیایش کرد: من مغلوب شده‌ام پس (مرا) یاری فرما. و فرمود: ﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ﴾ [نوح: 38].

ترجمه: «ای پروردگارمن! پدر و مادر من را بیامرز و (نیز) کسی را که (بصفت) مسلمان به خانه من داخل می‌شود، و همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه را».

1. حضرت هود÷ باین عبارت به پروردگار خود تضرع می‌نماید: ﴿إِنِّي تَوَكَّلۡتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُم﴾ [هود: 56].

ترجمه: «همانا من به پروردگار خود و پروردگار شما توکل کردم».

1. حضرت ابراهیم بت شکن÷ این چنین با پروردگار خویش راز و نیاز می‌کنند: ﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ ٤٠ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡحِسَابُ ٤١﴾ [ابراهیم: 40-41].

ترجمه: «ای پروردگار من، مرا برپادارنده نماز بگردان، و از اولاد من (نیز). ای پروردگارما، دعای مرا قبول بفرما، ای پروردگارما، مرا و (نیز) مادر و پدر مرا و همه مسلمانان را در روزیکه حساب برپا می‌شود بیامرز». و زمانی که حضرت ابراهیم÷ بیمار می‌گردد این چنین به خدای خویش عرض و نیاز می‌نماید: ﴿وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ ٨٠﴾ [الشعراء: 80].

ترجمه: «و زمانی که مریض شوم او (خداوندأ ) مرا شفا می‌دهد». و بار دیگر باین عبارت از پروردگار خویش در خواست می‌کند:

﴿رَبِّ هَبۡ لِي حُكۡمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ٨٣ وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ٨٤ وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ ٨٥﴾ [الشعراء: 83-85].

ترجمه: «پروردگارا! برمن حکمت ارزانی کن، و مرا به صالحان پیوست گردان، برای من در(میان امت‌های) آینده ذکر خیر قرار ده، و مرا از وارثان بهشت (پر از) نعمت‌ها بگردان».

1. حضرت اسماعیل÷ حضرت ابراهیم و پسر ارجمندش حضرت اسماعیل÷ زمانی که به امر پروردگار خویش خانه کعبه مکه مکرمه را بنا می‌نمایند چنین التجا و تضرع می‌کنند: ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٢٧ رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١٢٨﴾ [البقرة: 127-128].

ترجمه: «پروردگارما! (این خدمت را) از ما بپذیر واقعاً که تو و تنها توئی شنوا و دانا، پروردگارما، ما را فرمانبردار خود بگردان، و از نسل ما (نیز) امتی بیافرین (مسلمان) که تسلیم فرمان تو باشند، مناسک ما را بما نشان بده، توبه ما را بپذیر حقا که تو و تنها تویی توبه‌پذیر مهربان».

1. حضرت لوط÷ چنین تضرع می‌نماید: ﴿قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُفۡسِدِينَ٣٠﴾ [العنکبوت: 30].

ترجمه: «لوط÷ گفت: ای پروردگار من، مرا برین قوم فساد پیشه پیروز گردان».

1. حضرت یوسف÷ بعد از فراق و دوری زیاد از پدر و اقارب خویش وقتی که با پدر محبوب و دوست داشته خود ملاقات می‌کند و با برادران که ایشان را مورد اذیت و آزار خویش قرار داده بودند مصالحه می‌نماید چنین با پروردگار خویش به راز و نیاز می‌پردازد و می‌فرماید:

﴿رَبِّ قَدۡ ءَاتَيۡتَنِي مِنَ ٱلۡمُلۡكِ وَعَلَّمۡتَنِي مِن تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِۚ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ أَنتَ وَلِيِّۦ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ تَوَفَّنِي مُسۡلِمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ١٠١﴾ [یوسف: 101].

ترجمه: «ای پروردگار من! واقعاً مرا از قدرت برخوردار گردانیدی و بمن از (علم) تعبیر خواب‌ها آموختی، ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین، تو در دنیا و آخرت کار ساز منی مرا مسلمان بمیران، و مرا با صالحان پیوست گردان».

1. حضرت ایوب÷ زمانی که مریض می‌گردد از عجز و نا توانی خویش باین عبارت به بارگاه کبریایی خداوند عرض مسئلت می‌کند: ﴿وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٨٣ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَكَشَفۡنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرّٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ ٨٤﴾ [الأنبیاء: 83-84].

ترجمه: «و ایوب (را بیاد آور) هنگامیکه به پروردگار خود نیایش کرد (و گفت:) همانا بیماری بمن روی آورده و تو مهربان‌ترین مهربانی، ما دعای او را اجابت کردیم، و بیماری‌اش را برطرف ساختیم، و خانواده او را باو بازدادیم، و بر ایشان (همانند) تعداد‌شان را افزون گردانیدیم، از روی مرحمتی که از جانب ما (بر ایشان) بود و پندی برای پرستش کنندگان».

1. حضرت شعیب÷: وقتی که عده از مستکبران قوم‌شان از دعوت‌شان اباء می‌آورند و تصمیم می‌گیرند که حضرت شعیب÷ و مسلمانانی را که بایشان ایمان آورده‌اند از سرزمین‌شان اخراج نمایند باین مضمون به خدای خویش به التجا می‌پردازد: ﴿رَبَّنَا ٱفۡتَحۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ قَوۡمِنَا بِٱلۡحَقِّ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰتِحِينَ﴾ [الأعراف: 89].

ترجمه: «ای پروردگارما! میان ما و قوم ما به حق فیصله کن، و تو بهترین فیصله کنندگانی».

1. حضرت موسی÷: حضرت موسی÷ با عبارت بسیار دلگیر وپر مفهوم به راز و نیاز به بارگاه ذات اقدس احدیت می‌پردازد و چنین می‌گوید: ﴿قَالَ رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ٢٥ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي ٢٦ وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن لِّسَانِي ٢٧ يَفۡقَهُواْ قَوۡلِي ٢٨﴾ [طه: 25-28].

ترجمه: «گفت: پروردگارا! سینه‌ام را برای من فراخ گردان، و کار من را برایم آسان ساز، و گره را از زبانم بگشای، تا سخنم را بفهمند». و در جای دیگر این چنین به دعای خویش سر می‌دهد: ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلۡتَ إِلَيَّ مِنۡ خَيۡرٖ فَقِيرٞ﴾ [القصص: 24]. ترجمه: «ای پروردگار من! به خیری که بمن ارزانی نمودی نیاز مندم».

1. حضرت هارون÷: حضرت موسی و هارونإ زمانی که از بیدادگری و ظلم و ستم فرعون و فرعونیان بستوه می‌آیند به خدای خویش باین عبارت شیوا به مناجات می‌پردازند: ﴿عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡنَا رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٥ وَنَجِّنَا بِرَحۡمَتِكَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٨٦﴾ [یونس: 85-86].

ترجمه: «بر خدا توکل نمودیم، پروردگارا! ما را (وسیله) آزمایش مردم ستمگار مگردان، و ما را برحمت خود از گروه کافران نجات ده».

1. حضرت سلیمان÷: خداوند به حضرت سلیمان÷ لسان پرندگان و طریق افهام و تفهیم میان حیوانات را تعلیم داده بود ایشان زمانی که از سرزمین مورچگان گذر نمودند و مورچگان میان خود به گفتگو پرداختند، حضرت‌شان همینکه سخنان مورچگان را فهمیده بحیث یک بنده شکر‌گذار راستین به بارگاه پروردگار خویش دست دعا بلند نموده باین مضمون دعا فرمود: ﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَدۡخِلۡنِي بِرَحۡمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾ [النمل: 19].

ترجمه: «پروردگارا! مرا برآن وادار تا شکر نعمتی را نمایم که بمن و به پدر و مادر من عنایت کردی، و عمل صالحی انجام دهم که مورد رضای تو گردد، و به مرحمت خود مرا در صف بندگان صالح خود قرار ده».

1. حضرت یونس÷: حضرت یونس÷ در داخل شکم ماهی به دعا و تضرع پرداخته و به پروردگار خویش باین عبارت به عرض نیاز روی می‌آورد: ﴿لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [الأنبیاء: 87].

ترجمه: «نیست معبودی جز تو، پاکی تو، همانا من از جمله ستمگاران بودم».

1. حضرت زکریا÷: حضرت زکریا÷ زمانی که احساس تنها صورتی می‌کند از خداوند خویش می‌خواهد که برایش فرزند صالح و نیکوکار عطا فرماید چنین دعا می‌کند: ﴿رَبِّ لَا تَذَرۡنِي فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ﴾ [الأنبیاء: 89].

ترجمه: «پروردگارا! مرا تنها مگذار، و تو بهترین وارثانی». و حضرت‌شان بار دیگر باین مضمون دعا می‌نماید: ﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةً﴾ [آل‌عمران: 38]. ترجمه: «ای پروردگارمن! تو از جانب خویش بمن فرزند پاکیزه‌ای ببخش».

1. حضرت محمد ج: جناب سرور کائنات و خلاصه زبده موجودات در چندین جاهای قرآن کریم دعا و تضرع نموده و با پروردگار خویش راز و نیازهای کرده‌اند از آنجمله:

﴿حَسۡبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ﴾ [التوبة: 129]. ترجمه: «خداوند مرا بسنده است، جز او معبودی نیست، بر او توکل کردم و او است پروردگار عرش عظیم». و بار دیگر به خداوند خویش از شر شیطان پناه برده این چنین دعا فرمودند: ﴿رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ٩٧ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ ٩٨﴾ [المؤمنون: 97-98]. ترجمه: «پروردگارا! من از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌گیرم، ای پروردگار من از (نزدیکی) و حضور (شیطان‌ها) به تو پناه می‌برم».

و نیز از خداوند خویش باین عبارت طلب زیادتی علم و دانش نمودند: ﴿رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا﴾ [طه: 114]. ترجمه: «پروردگارا! بر علم و دانشم بیفزای».

سائر دعاهای قرآنی

در قرآن مجید دعاهای زیادی بجز از دعاهای انبیاء‡ ذکر شده است که می‌توان بطور نمونه از این دعاها یاد‌آوری کرد:

دعای اصحاب کهف:

﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا﴾ [الکهف: 10].

ترجمه: «ای پروردگارما! از نزد خود رحمتی بر ما ارزانی فرما، و برای ما از (این) مشکل ما راه نجاتی فراهم گردان».

دعای آسیه زن فرعون:

﴿رَبِّ ٱبۡنِ لِي عِندَكَ بَيۡتٗا فِي ٱلۡجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرۡعَوۡنَ وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [التحریم: 11]. ترجمه: «پروردگارا! برای من به نزد خود در بهشت خانه‌ای بساز، و مرا از فرعون و عمل او نجات ده، و مرا از قوم ستمگار نجات ده».

﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [الأعراف: 47].

ترجمه: «پروردگارما: ما را با گروه ستمگاران (پیوست) مگردان».

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٨﴾ [آل‌عمران: 8]. ترجمه: «پروردگارما! پس از آنکه مارا هدایت نمودی دل‌های ما را منحرف مگردان، و بما از نزد خود رحمت عنایت فرما، همانا تو و تنها تویی بسیار بخشاینده». ﴿رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٤ رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ وَٱغۡفِرۡ لَنَا رَبَّنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٥﴾ [الـممتحنة: 4-5].

ترجمه: «پروردگارا! ما برتو توکل کردیم، و به تو رو آوردیم، و بسوی تو است بازگشت، پروردگارا! ما را (وسیله) آزمایش کافران مگردان، واقعاً که تو صاحب قدرت (و) با حکمتی».

﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾ [البقرة: 201].

ترجمه: «ای پروردگارما! برای ما در دنیا خوبی بده و در آخرت خوبی بده و ما را از عذاب دوزخ رهایی بخش».

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٩١ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ١٩٢ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَ‍َٔامَنَّاۚ رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّ‍َٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ ١٩٣ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ١٩٤﴾ [آل‌عمران: 191-194]. ترجمه: «پروردگارما! این‌ها (زمین و آسمان‌ها) را بیهوده نیافریده‌ای، پاکی تو، پس ما را از آتش دوزخ نگهدار، پروردگارا! واقعاً هر کسی را که تو به دوزخ درآوری حقا که (او را) رسوا ساختی، و برای ستمگاران هیچ مددگاری نیست، پروردگارا! ما دعوت گری را شنیدیم که بسوی ایمان فرامیخواند، و (می‌گفت:) که به پروردگار خود ایمان آرید، پس ما ایمان آوردیم، پروردگارما! برای ما گناهان ما را ببخش، از ما بدی‌های ما را بریزان و ما را با نیکوکاران بمیران، پروردگارا! چیزی را که (به زبان) پیامبران خود بما وعده کردی عنایت فرما، و ما را در روز قیامت رسوا مگردان، و تو هیچگاه خلف وعده نمی‌کنی».

آیه‌های شفا:

منظور از این آیه‌ها این است که لفظ شفا درین آیه‌ها تذکر رفته است و آن‌ها ازین قرار است:

1. ﴿وَيَشۡفِ صُدُورَ قَوۡمٖ مُّؤۡمِنِينَ﴾ [التوبة: 14]. ترجمه: «دل‌های گروه مسلمان را شفا می‌بخشد».
2. ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَتۡكُم مَّوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَشِفَآءٞ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٥٧﴾ [یونس: 57].

ترجمه: «ای مردم! همانا برای شما از جانب پروردگار شما پندی آمده است و شفایی برای آنچه در دل‌ها است و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان».

1. ﴿يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٞ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٞ لِّلنَّاسِ﴾ [النحل: 69].

ترجمه: «از شکم آن‌ها (زنبور عسل) نوشیدنی با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌شود که در آن شفایی است برای مردم».

1. ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ [الإسراء: 82].

ترجمه: «و قرآن را که برای مسلمانان شفا و رحمت است نازل می‌کنیم».

1. ﴿وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ ٨٠﴾ [الشعراء: 80].

ترجمه: «و زمانی که مریض شوم او (خدا) مرا شفا می‌دهد».

1. ﴿قُلۡ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدٗى وَشِفَآءٞ﴾ [السجدة: 44].

ترجمه: «بگو این (قرآن) برای مؤمنان هدایتی است و شفایی».

احادیث شفا

1. «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ أَذْهِبِ الْبَأْسَ، اشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لا شَافِيَ إِلا أَنْتَ شِفَاءً لا يُغَادِرُ سَقَمًا»[[6]](#footnote-6).

«ای بار الها! ای پروردگار مردم! بیماری مرا دور گردان، شفا بده توی شفا دهنده، بجز تو شفا دهنده وجود ندارد، شفایی که بیماری نگذارد».

1. «بِسْمِ اللَّهِ تُرْبَةُ أَرْضِنَا بِرِيقَةِ بَعْضِنَا يُشْفَى سَقِيمُنَا بِإِذْنِ رَبِّنَا»[[7]](#footnote-7).

«بنام خداوند بوسیله خاک زمین ما، در حالیکه به آب دهان ما آلوده است و باجازه پروردگارما بیمار ما شفا داده می‌شود».

1. «بِسْمِ الله أرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنِ حَاسِدٍ، اللهُ يَشْفِيكَ، بِسمِ اللهِ أُرقِيكَ»[[8]](#footnote-8).

«بنام الله از هر آنچه اذیت می‌کند مداوایت می‌نمایم، از شر هر نفس، یا چشم حسود، الله تعالی شفایت می‌دهد، بنام الله مداوایت می‌کنم».

1. «أَعُوْذُ بِاللهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ»[[9]](#footnote-9).

«پناه می‌برم به الله و قدرت پروردگار از شر آنچه در می‌یابم و از آنچه می‌ترسم».

1. «أَسْأَلُ اللهَ الْعَظِيْمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ أَنْ يَشْفِيَكَ»[[10]](#footnote-10).

«از خداوند بزرگ (و) پروردگار عرش بزرگ می‌طلبم که شفایت دهد».

1. «لاَ بَأْسَ طَهُوْرٌ إِنْ شَاءَ اللهُ»[[11]](#footnote-11).

«باکی نیست پاک کننده است اگر خداوند بخواهد». یعنی: این مریضی پاک کننده گناهان است.

«أًعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانِ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لاَمَّةٍ»[[12]](#footnote-12). «بکلمه‌های کامل خداوند پناه می‌برم از شر شیطان‌ها و از زهرهای همه حیوانات و از نظرهای چشم بد همه انسان‌ها».

استغفار و طلب آمرزش

استغفار از گناه و توبه راستین با رعایت شرائط آن یگانه وسیلۀ محو و نابودی گناهان و معاصی بشمار می‌آید. و این را باید دانست که هیچ کسی جز حضرات انبیا‡ خالی از گناه نبوده و زمانی که انسان گناه را مرتکب میشود درحال از خداوند استغفار و آمرزش بخواهد و باین باور باشد که هیچ پناگاهی جز خداوند ندارد، و تنها باید آمرزش گناهان خویش را از او بخواهد و از گناه بصدق دل توبه نموده و ندامت و پشیمانی کشد. اما استغفار مجرد بزبان بدون آن که احساس ندامت از قلب به درد و الم معصیت با آن همراه باشد، فائده در بر ندارد. علماء می‌گویند که: توبه از هر معصیت واجب است. اما اگر معصیت درمیان بنده و خدا باشد و به حقوق انسان‌ها ارتباط نداشته باشد سه شرط دارد:

1. خود را از معصیت و گناه باز دارد.
2. از انجام دادن آن پشیمان شود.
3. تصمیم گیرد که دوباره آن را انجام ندهد.

اگر یکی از این شروط موجود نشود توبه‌اش مورد قبول نمی‌افتد، و اگر معصیت به حقوق انسان‌ها تعلق داشته باشد علاه بر شروط که ذکر شد اینکه از صاحب حق برائت و معافی بخواهد. اگر این حق مال و امثال آن باشد به وی باز گرداند. اگر حد قذف و امثال آن باشد وی را قدرت جبران دهد، و یا از او طلب عفو کند و اگر غیبت باشد بخشش طلبد. و لازم است که از همۀ گناهان توبه کند.

دلائل زیادی در کتاب وسنت و اجماع امت مبنی بر وجوب توبه وجود دارد، از آنجمله این آیات و احادیث است: ﴿وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾ [النور: 31].

ترجمه: «و ای مؤمنان همه بسوی خدا توبه کنید تا باشد که رستگار شوید». و می‌فرماید: ﴿وَأَنِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُمَتِّعۡكُم مَّتَٰعًا حَسَنًا إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى﴾ [هود: 3]. ترجمه: «و اینکه از پروردگار خود آمرزش بخواهید سپس به او رجوع کنید (توبه نمائید) تا شما را بوجه شائسته‌ای تا موعد معین بهره‌مند گرداند».

و نیز می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمۡ سَيِّ‍َٔاتِكُمۡ وَيُدۡخِلَكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ﴾ [التحریم: 8].

ترجمه: «ای مؤمنان بسوی خدا توبه کنید توبه خیرخانه (با احساس پشیمانی) تا باشد که پروردگار شما، گناهان شما را بزداید و شما را به باغستان‌های جای دهد که از زیر (درختان) آن‌ها جویبارها جریان دارد».

و می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمۡ وَأَنتَ فِيهِمۡۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمۡ وَهُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ٣٣﴾ [الأنفال: 33]. ترجمه: «و خداوند هرگز ایشان را عذاب نمی‌کند تا (زمانی که) تو درمیان ایشان باشی، و خداوند هرگز ایشان را عذاب نمی‌کند تا (زمانی که) ایشان (از خداوند) آمرزش بخواهند».

از آیه مبارکه دو مسئله استنباط می‌گردد:

1. تا وقتی که حضرت محمد ج رحمت عالمیان در سرزمین مکه میان کفار قریش موجود بودند خداوند به برکت وجود مبارک‌شان عذاب خویش را ازین قوم باز داشته بود.
2. تا زمانی که قومی به خدای خویش توبه و رجوع نماید و از اعمال ناشائسته خود آمرزش و استغفار بخواهد، خداوند عذاب را بآن قوم نازل نمی‌کند. چون فعلا آنحضرت ج از میان مردم رحلت فرمودند سپس مانع عذاب خداوند همانا وجود طائفه‌ای از مسلمانان است که از خداوند خویش آمرزش و استغفار می‌جویند.

پیامبر اسلام ج در حدیثی می‌فرمایند: «وَاللهِ إِنِّي لأََسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي اليَوْمِ أَكْثَرُ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةٍ»[[13]](#footnote-13). «سوگند به خدا که هر روز بیش از هفتاد بار از خداوند آمرزش می‌طلبم و به بسوی او توبه می‌کنم».

و می‌فرمایند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! تُوبُوا إِلَى اللهِ فَإِنِّي أَتُوبُ فِي الْيَوْمِ إِلَيْهِ مِائَةُ مَرَّةً»[[14]](#footnote-14).

«ای مردم به خدا توبه نمایید زیرا من در هر روزی صد بار به خدا توبه می‌کنم».

و می‌فرمایند: «إن الله يقبل توبة العبد ما لم يغرغر»[[15]](#footnote-15).

«خداوند توبه بنده را می‌پذیرد تا لحظه‌ای که روحش به حلقومش نرسد».

فضیلت تلاوت قرآن مجید

تلاوت قرآن مجید از تمام اوراد و اذکاری که انسان بخواهد ورد خود سازد افضل‌تر است. زیرا قرآن مجید مشعلی است که نور آن خاموش نمی‌شود، چراغیست که روشنی آن فرو نمی‌نشیند، دریای است که عمق آن از تصور ما بیرون است، کتابی است که حق را از باطل جدا می‌سازد، وشک تردید را از اذهان دور می‌سازد، خواندن و شنیدن آن قلب را صیقل و جلا می‌دهد، و اطمینان و آرامش به انسان می‌بخشد، در مورد تلاوت و فضیلت قرآن مجید احادیث فراوانی از پیامبر بزرگوار اسلام ج روایت شده است که جای تفصیل آن‌ها درین رساله کوچک امکان‌پذیر نیست درینجا بذکر چند حدیث اکتفاء می‌گردد:

«عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ج قَالَ: خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»[[16]](#footnote-16).

«از حضرت عثمان بن عفانس روایت شده که آن حضرت ج فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را می‌آموزد و بدیگران می‌آموزاند».

«عن أَبي أُمَامَةَ الْبَاهِلِىُّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ج يَقُولُ: اقْرَءُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِى يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لأَصْحَابِهِ»[[17]](#footnote-17). «از حضرت ابو امامه باهلیس روایت شده که گفت: از رسول الله ج شنیدم که می‌فرمود: قرآن را تلاوت کنید زیرا قرآن در روز قیامت برای یارانش (کسانیکه آن را تلاوت کند) شفاعت می‌نماید».

«وعن ابن مسعودٍ، قَالَ: قَالَ رسولُ اللهِ: مَنْ قَرَأ حَرْفاً مِنْ كِتَابِ اللهِ فَلَهُ حَسَنَةٌ، وَالحَسَنَةُ بِعَشْرِ أمْثَالِهَا، لاَ أقول : ألم حَرفٌ، وَلكِنْ: ألِفٌ حَرْفٌ، وَلاَمٌ حَرْفٌ، وَمِيمٌ حَرْفٌ»[[18]](#footnote-18).

«از عبد الله بن مسعودس روایت شده که: آن حضرت ج فرمود: کسی که یک حرف از کتاب خدا (قرآن) را بخواند برایش به آن (یک حرف) حسنه است، و حسنه به ده چند آن (یعنی هر حسنه ده چند می‌گردد) من نمی‌گویم که «الم» یک حرف است بلکه الف یک حرف است و لام یک حرف است و میم یک حرف است). یعنی : در تلاوت «الم» برای تلاوت کننده سی ثواب حاصل می‌شود».

«عَنْ عَائِشَةَل قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الَّذِى يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ وَالَّذِى يَقْرَؤُهُ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ»[[19]](#footnote-19).

«از بی بی عایشهل روایت شده که: آنحضرت ج فرمود: کسیکه قرآن می‌خواند در حالیکه بدان مهارت دارد همراه با فرشته‌های سفیر (بسوی رسول‌ها) فرشته‌های بزرگوار فرمانبردار است. و آنکه قرآن را می‌خواند و در خواندن آن بر وی تکلیف وارد می‌شود، و بر او سختی می‌آید برای او دو مزد است».

فضیلت درود گفتن بر پیامبر بزرگوار اسلام **ج**

درود فرستادن بر رسول کریم ج در عمر یک مرتبه فرض بوده و در سایر حالات مستحب می‌باشد، مخصوصا در شبانه روز جمعه که ثواب و فضائل زیادی دارد. قرآن کریم در مورد چنین می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا٥٦﴾ [الأحزاب: 56].

ترجمه: «همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، پس ای آنانکه ایمان آورده‌اید بر وی درود فرستاده و سلام کنید به سلام گفتنی».

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِش أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِىَّ ج يَقُولُ: إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَىَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَىَّ صَلاَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا»[[20]](#footnote-20). «از عبد الله پسر عمرو بن العاصش روایت شده که او از رسول خدا شنید که می‌فرمود: وقتی که از مؤذن شنیدید: بگوئید مثل آنچه را که می‌گوید، (یعنی به کلمات اذان جواب دهید). بعداً درود بفرستید بمن، زیرا کسی که برمن یکبار درود بفرستد، خداوند بر وی ده بار درود می‌فرستد». مراد از درود فرستادن خداوند بر بنده فرستادن رحمت از جانب خداوند است.«عَنْ أَوْسِ بْنِ أَوْسٍ قَالَ: قَالَ النَّبِىُّ: إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَكْثِرُوا عَلَىَّ مِنَ الصَّلاَةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلاَتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَىَّ . قَالَ: فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَكَيْفَ تُعْرَضُ صَلاَتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرِمْتَ؟ قَالَ يَقُولُونَ بَلِيتَ. قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَرَّمَ عَلَى الأَرْضِ أَجْسَادَ الأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ»[[21]](#footnote-21). «از اوس بن اوسس روایت شده است که: آنحضرت ج فرمود: همانا روز جمعه از بهترین روزهای شما است، پس در (آن روز) بر من درود زیاد بفرستید، زیرا درودهای شما بر من عرضه می‌شود، (صحابه) گفتند: ای رسول خدا! چگونه درود ما بر شما عرضه می‌شود درحالیکه استخوان‌هایت پوسیده می‌گردد؟ راوی گفت: صحابه گفتند: استخوان‌هایت پوسیده می‌گردد. آنحضرت فرمود: خداوندأ اجساد پیامبران را برزمین حرام گردانیده است). یعنی جسدشان پوسیده نمی‌شود».

از افضل‌ترین درودهایکه به آنحضرت ج فرستاده شود درود ابراهیمی است که در نماز خوانده می‌شود. زیرا خود جناب پیامبر اسلام ج بآن ارشاد فرمودند: و آن عبارت از درودی است که در صحیح بخاری و صحیح مسلم با کمی تفاوت در الفاظ‌شان از درود ابراهیمی که در نماز می‌خوانیم آمده است. حدیث مبارک چنین است: «عن أَبي محمدٍ كعبِ بن عُجْرَة، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا النبيُّ ج، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللهِ قَدْ عَلِمْنَا كَيْفَ نُسَلِّمُ عَلَيْكَ ، فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ؟ قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إبْرَاهِيمَ، إنَّكَ حَمِيدٌ مَجيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إبْرَاهِيمَ، إنَّكَ حَمِيدٌ مَجْيدٌ»[[22]](#footnote-22).

«از ابو محمد کعب بن عجرهس روایت شده که گفت: آن حضرت ج بر ما برآمد (یعنی نزد ما آمد) گفتیم ای رسول خدا دانستیم که چگونه بر شما سلام بگوییم، حالا چگونه بر شما درود بفرستیم؟ آنحضرت فرمود: بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ...» ای بار خدایا درود بفرست بر محمد ج و بر آل محمد ج همچنانکه درود فرستادی بر ابراهیم÷ و بر آل ابراهیم÷ همانا تو ستوده و با عظمتی. ای بارخدایا برکت بگذار بر محمد ج و بر آل محمد ج چنانکه برکت نهادی بر ابراهیم÷ و بر آل ابراهیم÷ همانا تو ستوده و با عظمتی».

فضیلت اسماء الله تعالی

خواندن اسماء الله تعالی فضیلت زیاد دارد، فضیلت اسماء خداوندأ در قرآن مجید و احادیث گرانبهای آنحضرت ج ثابت گردیده است. از آنجمله این آیه مبارکه است که خداوند می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَاۖ وَذَرُواْ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ أَسۡمَٰٓئِهِۦۚ سَيُجۡزَوۡنَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٨٠﴾ [الأعراف: 180].

ترجمه: «نام‌های نیکو از آن خداوند است، پس او را باین (نام‌ها) بخوانید و کسانی را که در نام‌های او کجروی می‌کنند بکنار بگذارید، بزودی ایشان مطابق به کردار خویش جزا داده می‌شوند». و نیز می‌فرماید:

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱللَّهَ أَوِ ٱدۡعُواْ ٱلرَّحۡمَٰنَۖ أَيّٗا مَّا تَدۡعُواْ فَلَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ﴾ [الإسراء: 110].

ترجمه: «بگو: خدا را بخوانید یا رحمن را بخوانید، هرکدام را بخوانید، نام‌های نیکو از آن اوست».

پیامبر اسلام ج در حدیثی باین مضمون می‌فرمایند: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَس قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لِلَّهِ تِسْعَةٌ وَتِسْعِينَ اسْمًا مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ»[[23]](#footnote-23).

«از ابو هریرهس روایت شده که گفت: آنحضرت ج فرمود: برای خداوند نود و نه نام است کسی که آن‌ها را حفظ نماید (یعنی با آن‌ها ایمان داشته باشد و معانی آن‌ها را بداند و با اخلاص آن‌ها را بخواند) به جنت (خداوند) داخل می‌شود».

طریقۀ خواندن اسماء الله تعالی:

هرگاه که اراده خواندن اسماء الله تعالی را نماییم بدین ترتیب شروع می‌کنیم: «هو الله الذي لا إله إلا هو الرحمن الرحيم...» و تا آخرین اسم را می‌خوانیم و حرف آخر اسم را ضمه یعنی (پیش) می‌دهیم، و سپس آن را باسم بعدی آن وصل می‌کنیم. مثلا: «اللهُ الرحمنُ الرحيمُ...» و در اثنای خواندن به هر اسمیکه نفس ما کوتاهی کرد توقف می‌نماییم، و سپس آن اسم را با تلفظ به (ال) شروع می‌نماییم: مثلا می‌گویم:«الرحمن» و اگر اراده داشته باشیم که نامی از نام‌های خداوندأ را بطور ورد و حفظ بخوانیم، در ابتدای آن لفظ (یا) را اضافه می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم: «يا الله، يا حي، يا قيوم» و غیره برای خواندن اسماء الله وقت معین نیست و هرگاه که فرصت داشته باشیم آن‌ها را می‌خوانیم.

اسماء الله تعالى:

«هُوَ اللَّهُ الَّذِي لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الرَّحمنُ الرَّحيمُ المَلِكُ القُدُّوسُ السَّلاَمُ المُؤْمِنُ المُهَيمِنُ العَزِيزُ الجَبَّارُ المُتَكَبِّر الخَالِقُ البَارِىءُ المُصَوِّرُ الغَفَّارُ القَهَّارُ الوَهَّابُ الرَّزَّاقُ الفتَّاحُ العَلِيمُ القَابِضُ البَاسِطُ الخافضُ الرَّافِعُ المعزُّ المذِل السَّمِيعُ البَصِيرُ الحَكَمُ العَدْلُ اللّطِيفُ الخَبِيرُ الحَلِيمُ العَظِيمُ الغَفُورُ الشَّكُورُ العَلِيُّ الكَبِيرُ الحَفِيظُ المُقِيتُ الحَسِيبُ الجَلِيلُ الكَرِيمُ الرَّقِيبُ المُجِيبُ الْوَاسِعُ الحَكِيمُ الوَدُودُ المَجِيدُ البَاعِثُ الشَّهِيدُ الحَق الوَكِيلُ القَوِيُّ المَتِينُ الوَلِيُّ الحَمِيدُ المُحْصِي المُبْدِيءُ المُعِيدُ المُحْيِي المُمِيتُ الحَيُّ القَيُّومُ الوَاجِدُ المَاجِدُ الوَاحِدُ الصَّمَدُ القَادِرُ المُقْتَدِرُ المُقَدِّمُ المُؤَخِّرُ الأوَّلُ الآخِرُ الظَّاهِرُ البَاطِنُ الوَالِي المُتَعَالِي البَرُّ التَّوَّابُ المنتَقِمُ العَفُوُّ الرَّءوف مَالِكُ المُلْكِ ذُو الجَلاَلِ وَالإكْرَامِ المُقْسِط الجَامِعُ الغَنِيُّ المُغْنِي المَانِعُ الضَّارُّ النَّافِعُ النُّورُ الهَادِي البَدِيعُ البَاقِي الوَارِثُ الرَّشِيدُ الصَّبُور».

ترجمه و شرح اسماء الله تعالی:

چون مفهوم و معانی اسماء الله الحسنی بسیار دقیق است، و حتی بعضی از اسماء الله زیادتر از یک معنی را افاده می‌کند. ازینرو لازم دیده شد که جهت ترجمه و شرح اسماء الله تعالی به کتب معتبره تفسیر مراجعه شود. بناء بنده در رابطه به موضوع به تفسیر (جلالین) تألیف علامه جلال الدین محلی و علامه جلال الدین سیوطی و تفسیر «فتح القدیر» امام شوکانی و کتاب «اسماء الله في القرآن» تألیف استاذ محمد صالح علی المصطفی مراجعه نموده و مطابق به آن اسماء الله را ترجمه و شرح نمودم. و شمارش اسماء الله و اینکه هر اسمی از اسماء خداوندأ چند مرتبه در قرآن مجید تذکر گردیده است. نیز بیان کرده‌ام. درینجا نود و نه نام خداوندأ طوریکه در حدیث مبارک از آنحضرت ج شنیده شده است برایتان تحریر می‌گردد.

1. الله: (معبود برحق و اسم ذات پروردگار عالم) نام الله (985) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است که از آن جمله پنج مرتبه به صیغه «اللهم» آمده است.
2. الرحمن: (بی‌اندازه و بی‌نهایت مهربان، و دارای بخشایش فراخ) صفت مشبه است که برای مبالغه استعمال می‌شود و از (رحیم) عامتر است. که مؤمن، وکافر، نیکوکار و بدکار را شامل می‌شود. و (57) مرتبه از آن در قرآن مجید تذکر رفته است.
3. الرحیم: (بسیار مهربان، بخشاینده) صفت مشبه است. اشاره به رحمت خاص پروردگار دارد که مخصوص بندگان مؤمن است. و (94) مرتبه در قرآن کریم ذکر گردیده است.
4. الـملك: (صاحب ملک، پادشاه حقیقی، فرمانروا، فرمانروا بر همه مخلوقات) و (10) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
5. القدوس: (نهایت پاک و منزه از هر عیب و نقص) صیغه مبالغه است و (2) مرتبه در قرآن تکرار شده است.
6. السلام: (سالم از هر عیب و نقص، آرامش بخش، ایمن کننده، عافیت دهنده از هر آفت دنیوی و اخروی، و پاک و منزه). و یک (1) مرتبه در قرآن مجید ذکر گردیده است.
7. الـمؤمن: (راست کننده وعده‌اش برای مخلوقاتش، امان دهندۀ‌شان از عذاب خویش، نگهدار ایمان، آنکه بندگانش در جوار حمایت او در امان هستند و تصدیق کننده). اسم فاعل است و یک (1) مرتبه در قرآنکریم از آن تذکر رفته است.
8. الـمهیمن: (مسیطر و مراقب بر بندگان خویش، نگاهدارنده، باشکوه، دارای رازها، گواه بر اعمال و گفتار بندگان). و یک (1) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
9. العزیز: (غالب بر همه اشیاء، برتر، ارجمند پرتوان، نیرومند، چیره). و (92) مرتبه در قرآن مجید تکرار شده است.
10. الجبار: (بسیار با عظمت و باشکوه، جبیره کنندۀ کمی‌ها و کمبودی‌ها، جاری کننده اوامر خویش، اصلاح کننده کارهای بندگان، قاهر و مسلط بر همه کس و همه چیز). و یک (1) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
11. الـمتکبر: (صاحب عظمت و بزرگی، برتر از صفات خلق، و برتر از هر نقص و هر چیزیکه لایق و سزاوار ذاتش نیست). اسم فاعل است. بنابرآن اگر خداوندأ باین صفت یعنی «الـمتکبر» صفت شود مدح گفته می‌شود، و اگر غیر او تعالی از مخلوقات باین صفت متصف گردند برای‌شان ذم و عیب است. این اسم یک (1) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
12. الخالق: (آفریننده، آفریدگار بندگان، اندازه کننده امور). اسم فاعل است. و (11) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
13. البارئ: (پدید آورندۀ مخلوقات از عدم، و ایجاد کننده اشیاء). اسم فاعل است در قرآن کریم (3) مرتبه تذکر یافته است.
14. الـمصور: (ایجاد کننده صورت‌ها، صورت بخش، پدید آرنده صورت‌های مختلف، آنکه به هر چیز صورتی می‌دهد که او را از دیگران جدا می‌سازد). و یک (1) بار در قرآنکریم ذکر شده است.
15. الغفار: (بسیار آمرزنده، پوشاننده عیوب و گناهان بندگان). صیغه مبالغه (الغافر) است. و ده (10) بار در قرآن کریم ذکر گردیده است.
16. القهار: (بسیار با قهر و غلبه که هیچ کس توان مقابله را به او ندارد، توانا، مستولی بر جمیع موجودات، قهرکننده بر ستمگاران). صیغه مبالغه «القاهر» است. و (6) بار در قرآن مجید تکرار شده است.
17. الوهاب: (بسیار بخشاینده، بخشش گر، آنکه پیوسته بخشش می‌نماید و بر بندگانش احسان می‌کند و در اعطاء و بخشش خویش از کسی عوض نمی‌خواهد). صیغه مبالغه «الواهب» است. و (3) مرتبه در قرآن کریم آمده است.
18. الرزاق: (بسیار روزی دهنده، روزی بخش، آفریننده روزی و آفریننده اسباب آن). صیغه مبالغه (الرازق) است. و (5) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
19. الفتاح: (بسیار گشایشگر، داور به حق و حقیقت، حکم کننده، آنکه گنجینه‌های رحمتش را به بندگانش می‌گشاید). صیغه مبالغه (الفاتح) است. و یک (1) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
20. العلیم: (عالم به همه اشیاء و دارای علم وسیع، دانای رازها، آنکه همه چیزها را می‌داند و چیزی از علم او نهان نیست). صیغه مبالغه (العالم) است. و (135) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
21. القابض: (کم کننده روزی از کسیکه بخواهد روزی وی را کم نماید، قبض کننده جان‌ها و روح‌ها). اسم فاعل است و در حدیث نبوی شریف این اسم برای خداوندأ نسبت داده شده است.
22. الباسط: (فراخ کننده روزی برای کسیکه بخواهد). اسم فاعل است و در حدیث شریف این اسم به خداوند نسبت داده شده است.
23. الخافض: (پست کننده، و آنکه پست میکند، مقام کسی را که سزوار پستی و ذلت است). اسم فاعل و در حدیث شریف آمده است.
24. الرافع: (بلند کننده درجات بندگان و چیزهای دیگر، آنکه مقام متقیان را بلند می‌برد). اسم فاعل و یک (1) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
25. الـمُعِز: (عزت دهنده، آنکه دوستانش را عزیز می‌کند و ایشان را نصرت و یاری می‌دهد). اسم فاعل و در حدیث شریف ذکر گردیده است.
26. الـمُذِل: ذلیل کننده، آنکه دشمنانش را خوار و ذلیل می‌کند). اسم فاعل است و در حدیث شریف بیان شده است.
27. السمیع: (شنونده همه صوت‌ها و آوازها) صیغه مبالغه «السامع» است. و (45) مرتبه در قرآن مجید تکرار شده است.
28. البصیر: (بینا و بیننده همه چیزها، بینای پنهان و آشکار). صفت مشبه است و بمعنای اسم فاعل می‌آید و (3) بار در قرآن مجید ذکر شده است.
29. الحکم: (حاکم مطلق، داور، داور و حاکمی که هیچکس نمی‌تواند قضایش را رد کند و یا حکم او را بر گرداند). صیغه مبالغه «الحاکم» است، و (1) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
30. العدل: (عدل کننده، با عدل و انصاف، کامل العدل، آنکه در عدالتش در اوج کمال قرار دارد). این اسم در حدیث شریف آمده است.
31. اللطیف: (بی نهایت لطیف و مهربان، زیاد دقیق بین و مطلع به همۀ امور، نیکی کننده به بندگان). صفت مشبه است و (7) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
32. الخبیر: (آگاه و با خبر به حقایق اشیاء و چیزهای دقیق، آگاه بر نهانها و ضمایر و اندیشه‌ها). صیغه مبالغه بمعنی اسم فاعل است. و (42) مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است.
33. الحلیم: (بسیار بردبار و باحلم، بردبار بر ادامه دادن روزی بندگان خطا کار، آنکه خشمش به زودی برنمی‌انگیزد و دست به مجازات نمی‌زند). صفت مشبه است و (11) بار در قرآن کریم تکرار گردیده است.
34. العظیم: (بسیار بزرگ و بزرگ‌تر از همه چیزها، و بزرگ‌تر از وهم و ادراک و اندیشه، آنکه بواسطه متصف بودنش به صفات جلال و کمال به بلندترین مرتبه بزرگی قرار دارد). صفت مشبه است و (8) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
35. الغفور: (خیلی آمرزنده و پوشنده زشتی‌ها) صیغه مبالغه (الغافر) است. در قرآن کریم (91) مرتبه ذکر شده است.
36. الشکور: (بسیار شکر گذار و قدردان، پاداش دهنده بسیار در برابر اطاعت و خدمت). صیغه مبالغه «الشاکر» است. و (4) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
37. العلي: (بلند مرتبه، آنکه به بلندترین مرتبه رسیده که عقل از تصور و فهم درک آن عاجز است). صفت مشبه است و (8) بار در قرآنکریم تکرار شده است.
38. الکبیر: (بزرگوار، با جلال و جبروت، بزرگتر از حد و وصف، آنکه عقل‌ها و حواس‌ها از درک او ناتوان‌اند). صفت مشبه است و ده (10) بار در قرآن مجید ذکر گردیده است.
39. الحفیظ: (حافظ و نگهبان همۀ موجودات از خلل و اضطراب، نگهدارنده اعمال بندگان از حبطه و ضیاع شدن). صیغه مبالغه (الحافظ) است. و (3) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
40. الـمقیت: (نگهبان، حافظ، توانا، قوت دهنده، آفریننده غذای مادی و روحی). اسم فاعل است و (1) بار در قرآن مجید آمده است.
41. الحسیب: (حسابگر کردار و رفتار و حالات و اندیشه مخلوقات، حساب کننده و حسابرس). صفت مشبه است و بمعنی اسم فاعل می‌آید، و (3) بار در قرآن مجید تکرار شده است.
42. الجلیل: (عالی مرتبه، بزرگ، آنکه بواسطه کمال صفاتش دارنده صفات جلال است. صفت مشبه است و در حدیث شریف آمده است.
43. الکریم: (صاحب کرم و جود، آنکه بدون درخواست و عوض می‌دهد). صفت مشبه است و (3) بار در قرآنکریم ذکر شده است.
44. الرقیب: (نگهبان، و پاسدار، و مشاهد احوال، نگاهدارنده مخلوقات در همه حال). صفت مشبه و بمعنی فاعل است. و (3) بار در قرآن تکرار گردیده است.
45. الـمجیب: (اجابت کننده دعای بندگان و قبول کننده اعمال صالحه‌شان، روا دارنده، و برآورنده حاجات). اسم فاعل است و (2) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
46. الواسع: (محیط بر همه چیز، صاحب وسعت و فضل و گشائش، روزی دهنده، آنکه رحمت و فضلش به همه می‌رسد). اسم فاعل فعل لازم است. و (6) بار در قرآنکریم تکرار شده است.
47. الحکیم: (دانا، کامل در حکمت و خرد، صیغه مبالغه اسم فاعل (الحاکم) است و (94) دفعه در قرآن مجید ذکر گردیده است.
48. الودود: (دوستدار، مهربان، دوستدار بندگان مطیع مسلمان، آنکه برای بندگانش خیر خواه است و در همه احوال برایشان نیکی میکند). صیغه مبالغه (الواد) است. و (2) مرتبه در قرآن مجید تکرار شده است.
49. الـمجید: (دارای جود و کرم و بزرگی، برتر، و منزه از زمان و مکان، آنکه در اوج شرف و بزرگی قرار دارد). صیغه مبالغه (الماجد) است و در قرآن کریم (1) بار ذکر شده است.
50. الباعث: (زنده کننده مردگان، فرستنده پیامبران، برانگیزنده همت‌ها) اسم فاعل بوده و در حدیث شریف آمده است.
51. الشهید: (گواه و حاضر، بیننده آگاه برهر چیز اندک وبسیار و نهان و آشکار). صیغه مبالغه (الشاهد) اسم فاعل است. و (20) مرتبه در قرآنکریم ذکر شده است.
52. الحق: (ذات برحق، ثابت و لایزال، راست و درست، سزاوار). فاعل (الحاق) بوده و (10) مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
53. الوکیل: (کارساز، مددگار، حامی، آنکه همه امور به او تفویض می‌گردد، مرجع همه کارها و نیازهای بندگان). صفت مشبه بوده و (13) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
54. القوی: (نیرومند، توانا برهمه چیز، دارای قدرت کامل، توانای دهنده). صفت مشبه بوده و (9) بار در قرآن مجید ذکر شده است. و اما «ذو القوة» که بمعنی: دارای قوت و توانایی می‌آید موصوف به آن اندازه از توانای است که هیچ ضعف و ناتوانی بر وی عارض نمی‌گردد) و یک بار در قرآن مجید ذکر گردیده است.
55. الـمتین: (استوار، محکم، دارای متانت کامل، آنکه در نهایت محکمی و استواری قرار دارد). صفت مشبه است و (1) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
56. الولي: (یار و دوست، نگهدار، سرپرست کارهای بندگان) صیغه مبالغه «الوالی» است و (29) بار در قرآنکریم ذکر شده است.
57. الحمید: (ستوده شده، سزاوار ستایش، شایسته سپاس). صیغه مبالغه «الحامد» است و بمعنی اسم مفعول می‌آید و (16) بار در قرآنکریم ذکر شده است.
58. الـمحصي: (شمارنده، آنکه هر چیز را به علم خویش می‌شمارد و هیچ چیزی از ساحه شمارش او خارج نمی‌ماند). صیغۀ اسم فاعل است و در حدیث شریف آمده است.
59. الـمبدئ: (ایجاد کنندۀ هستی از نیستی، از اول و ابتداء آفریدگار). اسم فاعل است. و در حدیث شریف این اسم برای خداوندأ ثابت شده است.
60. الـمعید: (بازپرس کننده مرده‌ها و چیزهای دیگر). اسم فاعل است و در حدیث نبوی شریف از آن تذکر بعمل آمده است.
61. الـمحیی: (زنده کننده، پدیدآورنده زندگی در هر موجود زنده). صیغه مبالغه اسم فاعل است. و (2) مرتبه در قرآن مجید تکرار شده است.
62. الـممیت: (میراننده، گیرنده زندگی از موجودات جاندار). صیغه اسم فاعل بوده و در حدیث شریف آمده است.
63. الحی: (زنده و جاودان، زنده ابدی ایکه هیچ فنا بر آن عارض نمی‌گردد) صفت مشبه است. و (15) بار در قرآنکریم تکرار شده است.
64. القیوم: (پای دار، بی‌زوال، پاینده بذات خود، و برپادارنده جهان هستی، تدبیر کننده امور بندگان و نگهبان آن‌ها). صیغه مبالغه است و (3) بار در قرآنکریم تکرار شده است.
65. الواجد: (پدید آرنده، آنکه هر چه را بخواهد می‌یابد، یا بنده همه چیزها). صیغه اسم فاعل است که در حدیث شریف آمده است.
66. الـماجد: (بزرگ، آنکه در اوج شرف و بزرگی قرار دارد). صیغه اسم فاعل است و در حدیث شریف ذکر شده است.
67. الواحد الأحد: یگانه، یکتا، آفریدگار یکتا، یگانه و یکتا (در ذات و صفات خود). اولی: «الواحد» اسم فاعل است و (22) بار در قرآنکریم تکرار شده است. و دومی: «الأحد» صفت مشبه است و (1) بار در قرآن مجید ذکر شده است.
68. الصمد: (غنی بی‌نیاز، آنکه تنها در بجا آوردن حاجات و مقاصد خوانده می‌شود، جاوید، پناه گاه نیازمندان). صفت مشبه است و (1) بار در قرآنکریم ذکر شده است.
69. القادر: (توانا، و باقدرت، محیط برهمۀ موجودات). اسم فاعل است و از (قدر) فعل لازمی گرفته شده و (12) بار در قرآن مجید تکرار گردیده است.
70. الـمقتدر: (توانا، دارای قدرت و سلطۀ کامل برهمۀ اشیاء) اسم فاعل بوده و از «اقتدار» گرفته شده و (4) بار در قرآنکریم تکرار شده است.
71. الـمقدم: (پیش کننده، جلو برنده، آنکه در ساحه هستی برخی از موجودات را شرف و مقام و یا در زمان و یا در مکان بر برخی دیگر مقدم می‌دارد). اسم فاعل است و در حدیث شریف ذکر شده است.
72. الـمؤخر: (پس کننده، بر عکس نام پیشتر که (مقدم) است. اسم فاعل بوده این اسم برای خداوندأ در حدیث شریف ثابت گردیده است.
73. الأول: (اول و نخست همه چیز، آنکه همیشه بوده است). صفت مشبه است و (1) بار در قرآنکریم تکرار شده است.
74. الآخر: (پایان همه چیز، به عکس (الأول) آنکه پس از همۀ کائنات پاینده است). اسم فاعل بوده و (1) بار در قرآن مجید نام برده شده است.
75. الظاهر: (ظاهر و آشکار، پیدا و نمایان، آنکه با نشانه‌ها و علامات وجود خویش را نمایان ساخته است). اسم فاعل است و (1) بار در قرآنکریم ذکر شده است.
76. الباطن: (نهان و پوشیده به عکس «الظاهر» آنکه ذاتش از دیدها و اوهام پوشیده است). اسم فاعل است و (1) بار در قرآن حمید ذکر گردیده است.
77. الوالي: (یاری دهنده، دوستدار، متصرف، مالک و متصرف اشیاء). اسم فاعل است و (1) بار در قرآن کریم ذکر شده است.
78. الـمتعالی: (از همه برتر و عالیتر، بلند پایه، بزرگوار، پاکیزه از نقص‌ها). اسم فاعل است و یک (1) بار در قرآن مجید ذکر شده است.
79. البر: (نیکوکار، آنکه بسیار نیکوکار است و احسان او فزاینده). و «البار» اسم فاعل موصوف به بر است و یک (1) بار در قرآنکریم ذکر شده است.
80. التواب: (بسیار توبه پذیر، بخشایشگر، آنکه برای گنهگاران توفیق توبه می‌دهد و سپس توبه‌شان را می‌پذیرد). صیغه مبالغه «التائب» است. و (11) بار در قرآن مجید تکرار شده است.
81. الـمنتقم: (انتقام گیرنده از بدکاران، جزا دهنده، اسم فاعل است و (3) مرتبه در قرآنکریم از آن تذکر بمیان آمده است.
82. العفو: (عفو کننده خطاها و گناهان بندگان، بخشاینده، بسیار با گذشت، محو کنندۀ گناهان کسیکه بوی رجوع می‌کند). صیغه مبالغه «العافی» است و (5) بار در قرآنکریم تکرار شده است.
83. الرؤوف: (زیاد مشفق و مهربان، بخشاینده و پرمهر و عطوفت). صیغه مبالغه «الرائف» بوده و (7) مرتبه در قرآن مجید تکرار گردیده است.
84. مالک الـملك: (مالک و متصرف همه کائنات و موجودات، فرمان روایی بی‌چون و چرای هستی، توانا بر جباران و گردنکشان). در قرآن مجید تحت این عنوان سه اسم از اسماء خداوند ذکر شده «الـملك» (5) بار و «الـملیك» (1) بار و «الـمالك» (2) بار.
85. ذو الجلال والإکرام: (خداوند بزرگی و ارجمندی، بخشنده نعمت‌ها). «ذوالجلال» (2) بار در قرآنکریم ذکر شده است.
86. الـمقسط: (عادل، دادگستر، آنکه بعدل خویش حق مظلومان را از ظالمان می‌گیرد). صیغه اسم فاعل است و در حدیث شریف آمده است.
87. الجامع: (دارای تمام صفات کمال، آنکه حقایق مختلف و پراگنده را جمع می‌کند، آنکه در روز قیامت همه مردم را جمع می‌کند). اسم فاعل بوده. و (2) بار در قرآن کریم تکرار شده است.
88. الغني: (بی نیاز، بی‌نیاز از هرچیز و هرکس در هر حال و در همه اوقات در حالیکه همه موجودات به او نیازمندند). صفت مشبه است و (18) بار در قرآنکریم ذکر شده است.
89. الـمُغْني: (بی نیاز کننده). صیغه اسم فاعل است. در حدیث شریف آمده است.
90. الـمانع: (بازدارنده، آنکه اسباب هلاکت و نابودی را باز می‌دارد). اسم فاعل است و در حدیث شریف ذکر شده است.
91. الضار: (ضرر رسان، آنکه عذابش را بر دشمنانش فرو می‌فرستد). صیغه اسم فاعل است و در حدیث شریف از آن تذکر رفته است.
92. النافع: (فائده رساننده، آنکه نیکی و احسان او تمام بنده‌ها و سرزمین‌ها را فرا گرفته است). صیغه اسم فاعل است، و این اسم مبارک در حدیث شریف آمده است.
93. النور: (نورکامل و مطلق، آنکه خود بذاته آشکار و آشکار کننده غیر خود است). و بمعنی فاعلی «منور» روشن کننده. و در قرآنکریم در آیه (35) سوره نور باین مضمون آمده است: ﴿ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾ [النور: 35].
94. الهادی: (هدایت گر، راهنما، پیدا کننده راهبر، آنکه هر موجود را به اموری رهنمونی کرده حافظ و نگهبان موجودات است). اسم فاعل و (2) بار در قرآنکریم از آن تذکر بعمل آمده است.
95. البدیع: (پدید آورنده از نیستی، ایجاد کننده آسمان‌ها و زمین و سائر موجودات بدون نمونه و مثال قبلی آنکه مثل و مانندی ندارد) صیغه مبالغه است و (2) بار در قرآن کریم تکرار شده است.
96. الباقی: (پاینده، آنکه همیشه است، ذاتیکه بقایش متکی بخودش می‌باشد). اسم فاعل است و در حدیث شریف آمده است.
97. الوارث: (ارث برنده، باز ستاننده ابدی، باقی پس از فنای موجودات، میراث بر همه اشیاء). اسم فاعل بوده و (3) بار در قرآن حمید تکرار گردیده است.
98. الرشید: (راهنما، هدایت گر، راهنمای بندگان، آنکه کارهایش مطابق حکمت به پیش می‌رود و به اهدافش می‌رسد). صفت مشبه بوده و در حدیث شریف ثابت شده است.
99. الصبور: (باحوصله، استوار، دارای تحمل و صبر، آنکه در مجازات بنده گانش شتاب نمی‌کند، آنکه هیچ چیز را پیش از وقتش پدید نمی‌آورد). صیغه مبالغه «الصابر» است. و در حدیث مبارک این اسم به خداوند أ نسبت داده شده است.

این نود و نه (99) نام که در حدیث مبارک از آن‌ها تذکر گردیده و همراه با معانی و شرح مختصری بیان شد. تمام نام‌های خداوند نبوده بلکه نا‌م‌ها و صفات دیگری نیز برای خداوندأ در احادیث بیان شده است از آنجمله این نام‌های مبارک در حدیثی آمده است.

«الحنان» بسیار مشفق و مهربان. «الـمنان» بسیار احسان کننده، «الـمغیث» فریادرس. «الکفیل» ضامن. «ذوالطول» بی‌نیاز، توانگر و برتر، «ذوالفضل» دارای فضل و بخشش، «الخلاق» بسیار آفریننده.

از احصای گیری ایکه در زمینۀ اسماء الله تعالی در قرآن مجید صورت گرفته است تعداد اسماء الله تنها در قرآن مجید به (166) اسم رسیده است[[24]](#footnote-24).

اما تعداد همه اسماء الله بسیار زیاد است. ابو بکر ابن العربی در شرح سنن ترمذی از برخی اهل علم حکایت نموده که او از قرآن مجید و احادیث شریف هزار نام (1000) از نام‌های خداوند را جمع نموده است.

خواص اسماء الله تعالی:

بعضی از مردم خواص و اسرار زیادی برای نام‌های خداوندأ ذکر نموده‌اند و عده‌ای از ایشان به شرح و خواص اسماء الله بگونه‌ای تفصیل وار پرداخته و برای هرنام از نام‌های خداوند خواص و اسرار بخصوصی ارائه داده‌اند. بطور مثال: در «الجبار» چنین نوشته است: هر که این اسم را بر انگشتر نقره کند و بپوشد هیبت و شوکت او برمردم اثر اندازد، هر کس روزانه صبح و شام (226) بار ورد کند إن شاءالله از قهر و شر ظالمان نجات یابد[[25]](#footnote-25). و برخی از ایشان به حدی غلو و افراط نموده‌اند که برای هرنام از نام‌های خداوند خادم روحانی قائل گردیده و معتقدند که این خادم روحانی بخدمت همان کسی که آن اسم را ورد خود می‌سازد و به ذکر آن می‌پردازد قیام می‌کند و همیشه در خدمت آن می‌باشد. درین شکی نیست که اسماء الله خواص و فضائل زیادی دارد و در خواندن آن‌ها ثواب زیادی عاید حال خواننده میگردد. و خواندن اسماء الله تعالی قلب انسان را صفا و نورانیت می‌بخشد و بمرتبه و معنویت وی میفزاید بویژه که خواننده معانی و مفاهیم اسماء الله را بداند و با حضور قلب و اخلاص کامل به خواندن اسماء الله تعالی بپردازد.

اما این را باید بدانیم که مصدر هر عمل و کردار بندۀ مسلمان قرآن مجید و احادیث گرانبهای آنحضرت ج می‌باشد. و هر عملیکه مطابق به ارشادات قرآن و احادیث نبوی انجام داده شود اجر و پاداش دارد و در غیر آن هیچ ثوابی در آن عمل مرتب نمی‌باشد. بناء چیزهای را که بعضی از نویسندگان در شرح و خواص اسماء الله ارائه داده‌اند در واقع بیش ازیک نوع غلو و افراط چیز دیگری نیست. دین اسلام پیروان خود را از غلو و افراط باز داشته است، زیرا این گفته‌ها نه در قرآن مجید و نه هم در احادیث شریف آمده است. دین اسلام همواره پیروان خود را به اطاعت و فرمانبرداری قرآن و احادیث گرانبهای آنحضرت ج دستور داده صلاح و بهبودی هر فرد مسلمان را تنها و تنها در پیروی از قرآن و احادیث نبوی ج می‌داند چنانچه می‌فرماید: ﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْ﴾ [الحشر: 7].

ترجمه: «آنچه را پیامبر برای شما م‌یدهد بگیرید و از آنچه شما را منع می‌کند منصرف شوید».

و می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١﴾ [آل‌عمران: 31].

ترجمه: «بگو: اگر شما خداوند را دوست دارید پس مرا پیروی کنید، تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد، خداوند آمرزنده و مهربان است».

و می‌فرماید: ﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٢﴾ [آل‌عمران: 32]. ترجمه: «بگو: خدا و رسول او را فرمان برید پس اگر ایشان روی گرانیدند (در آن صورت) خداوند کافران را دوست ندارد».

و پیامبر اسلام ج در حدیثی می‌فرمایند: «تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ نَبِيِّه»[[26]](#footnote-26). «درمیان شما دو چیز را (بعد از خود) گذاشتم شما تا زمانی که باین دو چنگ زنید (عمل کنید) گمراه نمی‌شوید، آن‌ها عبارت از کتاب خدا (قرآن) و سنت (احادیث) من است».

علامه اقبال شاعر مشرق درین باره چه خوب گفته است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| گرهمی خواهی مسلمان زیستن |  | نیست ممکن جز به قرآن زیستن |

شیخ معرفت سعدی/ چنین می‌گوید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| محال است سعدی که راه صفا |  | توان رفت جز در پی مصطفی |

اسم اعظم خداوند**أ**

اسم اعظم خداوند در احادیث فراوانی آمده است. از آن جمله این احادیث است: «عن بُرَيْدَةَ الْأَسْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَمِعَ النَّبِيُّ ج رَجُلًا يَدْعُو وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. قَالَ: فَقَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ سَأَلَ اللَّهَ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أَعْطَى»[[27]](#footnote-27).

«بریده اسلمیس از پدرش روایت کرده می‌گوید: پیامبر ج از مردی شنید که دعا می‌کرد و می‌گفت: ای بار الها! من از تو سوال می‌کنم باینکه تنها تو الله یی، نیست هیچ معبود بحقی جزتو، خداوند یکتا و یگانه‌ای و بی‌نیازی، ذاتی که نه کسی را زاده و نه هم از کسی زاده شده است و برای او شبیه و مانندی نیست. راوی می‌گوید: آن حضرت ج فرمود: سوگند به ذاتیکه جانم در ید اوست همانا او خدا را به اسم اعظم او سوال نموده است، چنان اسم اعظمی که اگر بآن دعا شود اجابت گردد و گر بآن سوال شود داده شود».

«عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ سَمِعَ النَّبِىُّ ج رَجُلاً يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ وَحْدَكَ لاَ شَرِيكَ لَكَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ ذُو الْجَلاَلِ وَالإِكْرَامِ فَقَالَ: «لَقَدْ سَأَلَ اللَّهَ بِاسْمِهِ الأَعْظَمِ الَّذِى إِذَا سُئِلَ بِهِ أَعْطَى وَإِذَا دُعِىَ بِهِ أَجَابَ»[[28]](#footnote-28).

«از حضرت انس ابن مالکس روایت شده که گفت: شنید رسول الله ج از شخصی که می‌گفت: (دردعای نماز) ای بار الها! من از تو سوال می‌کنم، باینکه (همه) ثناها و ستایش از آن توست. نیست معبودی به جز تو، تویی بسیار بخشاینده مهربان و نیکویی کننده، ایجاد گر آسمان‌ها و زمین، صاحب بزرگی و احترام، ای ذات زنده و خود پاینده، از تو سوال می‌کنم، آن حضرت ج فرمود: او خدا را باسم اعظم او سوال نموده است چنان اسم اعظم که اگر به آن سوال شود داده شود و اگر به آن دعا شود اجابت گردد».

«عن أسماء بنت يزيد : أَنَّ رسولَ الله ج قال: اسْمُ اللهِ الأعظَمُ في هَاتَينِ الآيَتَينِ: ﴿وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٣﴾ [البقرة: 163]. وفَاتِحَةُ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ: ﴿الٓمٓ ١ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ ٢﴾ [آل‌عمران: 1-2]»[[29]](#footnote-29).

«از اسماء بنت یزیدل روایت شده است که پیامبر اسلام ج فرمود: اسم اعظم خداوند درین دو آیت است. یکی آیه: 164﴿وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٣﴾ [البقرة: 163]. دومی آیه اول سور آل عمران: ﴿الٓمٓ ١ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ ٢﴾ [آل‌عمران: 1-2]».

**«**عن سعد بن مالكس قال: سمعت رسول الله ج يقول: هل أدلكم على اسم الله الأعظم الذي إذا دعي به أجاب وإذا سئل به أعطى؟ الدعوة التي دعا بها يونس حيث ناداه في الظلمات الثلاث، لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين. فقال رجل: يا رسول الله ج هل كانت ليونس خاصة أم للمؤمنين عامة ؟ فقال رسول الله ج : ألا تسمع قول اللهأ ﴿وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُ‍ۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٨٨﴾ [الأنبیاء: 88]»[[30]](#footnote-30).

«از حضرت سعد بن مالکس روایت است که گفت: شنیدم از رسول خدا ج که می‌فرمود: آیا شما را باسم اعظم خداوند رهنمایی کنم؟ اسم اعظم که اگر به آن دعا کرده شود اجابت گردد و اگر به آن سوال کرده شود داده شود، دعایی که یونس÷ به آن در تاریکی‌های سه گانه دعا نمود: ( نیست معبود بحق جز تو، پاکی تو، ای بار الها! همانا من از زمره ستمگاران بودم) مردی گفت: ای رسول خدا! آیا این دعا خاص برای یونس÷ بود ؟ ویا برای همۀ مؤمنان؟ آن حضرت ج فرمود: آیا این فرموده خداوندأ را نشیده‌ای که فرمود است: «او را ازین تنگنا نجات دادیم و این چنین مؤمنان را نجات می‌دهیم» (یعنی این دعا برای عموم مسلمانان است)».

هنگامیکه ما درین احادیث و احادیث دیگریکه درین مورد آمده است تأمل و فکر کنیم می‌بینیم که اسم اعظم خداوند بگونه خاصی تعیین نشده است بلکه در غالب الفاظ احادیث متذکره درج است. بنابرآن دعا کردن باین احادیث دعا به اسم اعظم خداوند می‌باشد.

خلاصه سخن زمانی که ما احادیث مربوط به اسم اعظم خداوند را تحت مطالعه قرار می‌دهیم باین نتیجه می‌رسیم که:

1. اسم اعظم خداوند بالذات تعیین نشده است، ازین‌رو علماء در مورد تعیین آن آراء متعددی را ارائه داده‌اند.
2. از احادیث مربوط به موضوع در می‌یابیم که اسم اعظم خداوند دعایی است ترکیب شده از چندین نام از نام‌های خداوند که هرگاه بنده مسلمان خداوندأ به آن نام‌ها بخواند با موجودیت شرایط دعا، دعایش به اجابت می‌رسد.

احادیث متذکره بمثابه رد و انکار سخنان عده‌ای از آن مردمی است که ادعا دارند باینکه اسم اعظم خداوند سری است از اسرار و رازی است نهفته که برخی از مردم بآن علم دارند که بوسیله آن امور پیچیده را می‌گشایند و کارهای خلاف عادت را انجام می‌دهند و با ایشان خواص و اسراری داده شده که دیگران از داشتن آن خواص محروم‌اند. اگر ما بدقت تمام در این مسئله و همانند آن از مسایل اسلامی فکر کنیم می‌دانیم که نه تنها اسم اعظم خداوند تعیین نشده است بلکه مسایل دیگری هم وجود دارد که در تعیین دقیق آن‌ها اختلاف نظر موجود است. بطور مثال: شب قدر ازین جهت مخفی شده است تا مردم بمنظور دریافت آن، شب‌های زیادی را به عبادت و بندگی خداوند سپری نمایند و تنها به عبادت یک شب اکتفاء نکنند. همانگونه ساعت اجابت دعا در روز جمعه پنهان گردیده تا مردم در روز جمعه به دعا و تضرع به پردازند، و رضای خداوند درمیان انواع معاصی پنهان گردیده تا مسلمانان همیشه آمادگی به مرگ را داشته باشند. به همان گونه اسم اعظم خداوند در میان اسماء الله تعالی مخفی گردیده تا خداوند را به همه اسماء آن یاد کنند و به آن‌ها دعا نمایند.

اوراد و اذکار صبح و شام

ذکر پرودگار در هر وقت قلب را صیقل و صفا داده و روح را سکون و آرامش می‌بخشد بالأخص در اول روز که بندۀ مسلمان عمل روز مره خویش را به ثناء و ستایش پروردگار آغاز نماید وآخر روز عملش را به ذکر و یاد خداوندأ خاتمه دهد. چنانچه خداوند می‌فرماید:

﴿وَٱذۡكُر رَّبَّكَ كَثِيرٗا وَسَبِّحۡ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ﴾ [آل‌عمران: 41].

ترجمه: «و پروردگارت را بسیار یاد کن، و در شام و صبح به ستایش پروردگار خویش بپرداز». و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَا تَطۡرُدِ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُ﴾ [الأنعام: 52].

ترجمه: «و کسانی را که صبح و شام پروردگار خویش را می‌خوانند، و رضای او را می‌طلبند (از خود) دور مدار».

و نیز خداوندأ فرموده:

﴿وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ﴾ [غافر: 55].

ترجمه: «و برای گناهان خویش آمرزش بخواه، و صبح و شام پروردگار خویش را (پیاپی) ستایش کن».

اوراد و اذکاریکه از طرف صبح و شام خوانده می‌شود در احادیث شریف فضائل و خواص آن‌ها ذکر گردیده است. این اوراد دارای دو بخش می‌باشد:

بخش قرآنی:

این بخش دسته‌ای از آیات قرآنی است که در احادیث فضائل تلاوت آن‌ها باثبات رسیده است. باینمعنی که یا خود پیامبر اسلام ج این آیات را تلاوت نموده، و یا حضرات صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین را به تلاوت آیات مبارکه ترغیب و تشویق نموده‌اند. بنابر این، تلاوت این دسته از آیات علاوۀ از فضیلتی که برای آن‌ها مانند سایر آیات قرآنی ثابت است دارای خاصیت معین می‌باشد که از بین سایر آیات قرآن مجید با آن‌ها توجه خاصی داده شده است.

احادیث نبوی **ج**:

این دسته از اذکار عبارت از مجموعۀ اورادی است که از احادیث گرانبهای آنحضرت ج انتخاب شده است با این معنی که یا خود پیامبر بزرگوار اسلام ج این اوراد را خوانده‌اند: و یا حضرات صحابه را به خواندن این اوراد ارشاد و رهنمای فرموده‌اند: اوراد ازین قرار است:

اوراد بخش قرآنی:

«أَعُوذُ بِاَللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

«از (شر) شیطان رانده شده پناه به خداوند شنوا و دانا می‌برم».

1. ﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ١﴾ [الفاتحة: 1].

«بنام خداوند بی‌اندازه مهربان، و نهایت بارحم».

1. ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢﴾ [الفاتحة: 2].

ترجمه: «ستایش خدای را است، پروردگار جهانیان».

1. ﴿ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣﴾ [الفاتحة: 3].

«خدای بی‌اندازه مهربان، و نهایت بارحم».

1. ﴿مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤﴾ [الفاتحة: 4].

«پادشاه روز جزا (است)».

1. ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥﴾ [الفاتحة: 5].

«خاص ترا می‌پرستیم، و خاص از تو یاری می‌خواهیم».

1. ﴿ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦﴾ [الفاتحة: 6]. «بما راه راست بنما».
2. ﴿صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧﴾ [الفاتحة: 7][[31]](#footnote-31). ترجمه: «راه کسانی که نعمت خویش را بر ایشان ارزانی کرده‌ای نه راه کسانی را که مورد خشم واقع شدند (یهود) و نه هم راه گمراهان (نصاری)».

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾

«بنام خداوند بی‌اندازه مهربان، و نهایت بارحم».

1. ﴿الٓمٓ ١﴾ [البقرة: 1].
2. ﴿ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ ٢﴾ [البقرة: 2].

ترجمه: «این کتاب، در آن شکی نیست، هدایتی است برای پرهیزگاران».

1. ﴿ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ٣﴾ [البقرة: 3].

«آنانیکه بغیب ایمان می‌آرند و نماز خود را به تمام و کمال برپا می‌دارند، و از آنچه برای‌شان روزی گردانیده‌ایم خرچ می‌کنند».

1. ﴿ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣﴾ [البقرة: 4].

ترجمه: «و آنانیکه به آنچه به تو نازل گردانید شده و به آنچه که پیش از تو نازل شده ایمان می‌آرند و به آخرت یقین دارند».

1. ﴿أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥﴾ [البقرة: 5][[32]](#footnote-32).

ترجمه: «آن‌ها از جانب پروردگار‌شان بر هدایت‌اند و ایشان همین‌هایند رستگار».

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥﴾ [البقرة: 255][[33]](#footnote-33).

ترجمه: «خداوند: معبودی جز او نیست، زنده و بخود پاینده است، نه او را پینکی می‌گیرد و نه (هم) خواب، هر آنچه در آسمان‌ها و (هر) آنچه در زمین است ازآن اوست، چه کسی است آنکه بحضور او شفاعت کند مگر به اجازه او؟ آنچه را که در پیشروی و پشت سر بندگان است میداند، و ایشان به چیزی از علم او احاطه کرده نمی‌توانند، مگر به آنچه او اراده کند، کرسی او آسمان‌ها و زمین را دربر گرفته است، و نگهبانی آن‌ها او را خسته نمی‌سازد، و او بسیار بلند (مرتبه) و بسیار با عظمت است».

﴿لَآ إِكۡرَاهَ فِي ٱلدِّينِۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٥٦﴾ [البقرة: 256].

ترجمه: «در دین اکراهی نیست، همانا رهیابی از گمراهی جدا شده است، پس کسیکه از شیطان روی بر می‌تابد و بخداوند ایمان می‌آورد، به دستگیر مستحکمی چنگ زده است که هرگز گسستنی نیست، و خداوند شنوا (و) دانا است».

﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥٧﴾ [البقرة: 257].

ترجمه: «خداوند یاور مؤمنان است. ایشان را از تاریک‌ها به روشنایی بیرون می‌آرد. و کافران یاوران‌شان شیطان است که ایشانرا از روشنایی به تاریکی‌ها می‌کشانند. هم ایشان‌اند اهل دوزخ و در آن همیشه بسر می‌برند».

﴿لِّلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَإِن تُبۡدُواْ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ أَوۡ تُخۡفُوهُ يُحَاسِبۡكُم بِهِ ٱللَّهُۖ فَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٢٨٤﴾ [البقرة: 284].

ترجمه: «آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن خدا است، و آنچه را در دل‌های شما است (خواه) آشکار کنید یا پنهان، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند. پس هر کسی را بخواهد می‌آمرزد و هرکسی را بخواهد عذاب می‌کند، و خداوند در هرچیز توانا است».

﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨٥﴾ [البقرة: 285].

ترجمه: «پیامبر به چیزی که به او از طرف پروردگارش نازل شده است ایمان دارد، و مؤمنان نیز، همه به خدا فرشتگان، کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند (آن‌ها می‌گویند) میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم، و گفتند: شنیدیم و فرمان بردیم. (خواهان) آمرزش تو هستیم. ای پروردگار ما! و بسوی تو است بازگشت».

﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦﴾ [البقرة: 286].

ترجمه: «خداوند هیچ کسی را مکلف نمی‌سازد مگر به اندازه توان او، برای اوست هرچه کسب کرده، و بر (زیان) اوست هر چه را مرتکب شده. پروردگارما! و اگر ما فراموش کردیم یا خطا کردیم، ما را مگیر، ای پروردگار ما! و برما چنان باری را مگذار که توان برداشت آن را نداشته باشیم، و از گناهان ما درگذر، ما را به بخشا، و برما رحم کن، توی کار ساز ما، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان»[[34]](#footnote-34).

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾ ترجمه: «بنام خداوند بی‌اندازه مهربان، و نهایت بارحم».

﴿الٓمٓ ١ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ ٢﴾ [آل‌عمران: 1-2][[35]](#footnote-35).

ترجمه: «الم. خداوند جز او معبودی نیست زنده، و بخود پاینده است».

﴿وَعَنَتِ ٱلۡوُجُوهُ لِلۡحَيِّ ٱلۡقَيُّومِۖ وَقَدۡ خَابَ مَنۡ حَمَلَ ظُلۡمٗا ١١١﴾ [طه: 111]. ترجمه: «و چهره‌ها در حضور زنده بخود پاینده، ذلیل می‌شوند و همانا کسیکه مرتکب ستم گردیده ناکام و بینوا شد».

﴿وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَا يَخَافُ ظُلۡمٗا وَلَا هَضۡمٗا ١١٢‌﴾ [طه: 112].

ترجمه: «و هرکسیکه چیزی از کارهای نیکو انجام دهد، در حالیکه مؤمن (هم) باشد، پس نه از ستمی می‌ترسد و نه (هم) از شکستی».

﴿حَسۡبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ﴾ [التوبة: 129].

ترجمه: «خداوند مرا بسنده است جز او معبودی نیست بر او توکل کردم و او است پروردگار عرش بزرگ».

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱللَّهَ أَوِ ٱدۡعُواْ ٱلرَّحۡمَٰنَۖ أَيّٗا مَّا تَدۡعُواْ فَلَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَلَا تَجۡهَرۡ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتۡ بِهَا وَٱبۡتَغِ بَيۡنَ ذَٰلِكَ سَبِيلٗا ١١٠ وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ وَلِيّٞ مِّنَ ٱلذُّلِّۖ وَكَبِّرۡهُ تَكۡبِيرَۢا ١١١﴾ [الإسراء: 110-111].

ترجمه: «بگو: خدا را بخوانید یا رحمن را بخواهید، هر کدام را بخوانید، نام‌های نیکو از آن اوست، و نمازت را نه به آواز بلند بخوان و نه (هم) بآواز آهسته و در بین این (دو) راه (میانه)‌ای را اختیار کن. و بگو: ستایش خدای را ست که برای خود فرزندی نگرفته است. در پادشاهی شریکی ندارد و برای او کار سازی (که) از ذلت (او را وارهاند نیازی) نیست، و او را به بزرگی یاد کن بزرگی (بس شکوه مندی)».

﴿أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ١١٥ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡكَرِيمِ ١١٦ وَمَن يَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرۡهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١١٧ وَقُل رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ١١٨﴾ [المؤمنون: 115-118].

ترجمه: «پس آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما نزد ما باز گردانیده نمی‌شوید؟ پس برتر است خداوند، پادشاه بر حق بجز او معبودی نیست، پروردگار عرش کریم. و هرکه با خداوند معبود دیگری را بخواند و (مسلماً) به این (کار خویش) دلیلی ندارد، و همانا حساب او نزد پروردگار او است و هرگز کافران رستگار نمی‌شوند. و بگو: پروردگارا! مرا بیامرز و (برمن) رحم کن و تو بهترین رحم کننده‌گانی».

﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ ١٧ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ ١٨ يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَيُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ وَكَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ ١٩ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ إِذَآ أَنتُم بَشَرٞ تَنتَشِرُونَ ٢٠ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٢١ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡعَٰلِمِينَ ٢٢ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱبۡتِغَآؤُكُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ٢٣ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَيُحۡيِۦ بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٢٤ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلۡأَرۡضُ بِأَمۡرِهِۦۚ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمۡ دَعۡوَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ إِذَآ أَنتُمۡ تَخۡرُجُونَ ٢٥ وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ٢٦﴾ [الروم: 17-26].

ترجمه: «پس خداوند را در شامگاهان و صبحگاهان به پاکی یاد کنید. و ستایش از آن او ست (هم) در آسمان‌ها و (هم) در زمین و (هم) در آخر روز و در هنگامیکه چاشت را می‌گذرانید. زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را بعد از مردن آن زنده می‌گرداند و شما (نیز) این چنین (از قبر خویش) بر آورده می‌شوید. و از نشانه‌های او (یکی هم) اینست که شما را از خاک آفرید و باز شما بحیث بشر به هر طرف پراگنده شدید. و از نشانه‌های او (یکی هم) اینست که برای شما از خود شما زنان را آفریده تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و او درمیان شما دوستی و مهربانی بر قرار ساخت. همانا در این‌ها برای گروهیکه فکر می‌کنند نشانه‌های است. و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین است و نیز اینکه شما به زبان‌های مختلفی سخن میزنید و دارای رنگ‌های مختلفی می‌باشد. واقعاً درین‌ها برای دانشمندان نشانه‌های است. و از نشانه‌های او خوابیدن شما است در شب و روز و تلاش و کوشش شما است برای (کسب و کار) و بهره‌مندی شما از فضل خداوند. بی‌گمان درین برای کسانیکه (سخن حق را) می‌شنود نشانه‌های است. و از نشان‌های او این است که بشما برقک را می‌نماید که (هم موجب) ترس و (هم مایه) امیدواری است. و (نیز) آب را از آسمان نازل می‌کند و با آن زمین را بعد از پژمردگی آن زنده می‌سازد همانا درین برای کسانیکه هوشیاراند نشانه‌های است. و از نشانه‌های او اینست که آسمان‌ها و زمین به حکم او بر پاست سپس همینکه شما را از زمین فرا خواند آنگاه (از قبرخویش) بیرون میشوید. هرچه در آسمان‌ها و زمین است از آن اواست. (و) همه به او فرمان می‌برند».

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾

«بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

﴿حمٓ ١ تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ٢ غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ شَدِيدِ ٱلۡعِقَابِ ذِي ٱلطَّوۡلِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ إِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ٣﴾ [المؤمن: 1-3][[36]](#footnote-36).

ترجمه: «حم.. فرو فرستادن این کتاب از جانب خداوند صاحب قدرت و آگاه است که آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، سخت عذاب کننده، صاحب انعام و احسان است. هیچ معبودی جز او نیست بسوی او است باز گشت».

﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ٢٢ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٢٣ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٤﴾ [الحشر: 22-24][[37]](#footnote-37).

ترجمه: «اوست خداوندیکه جز او معبودی نیست دانای نهان و آشکار، و اوست بخشاینده (و) مهربان، اوست خداوندیکه جز او معبودی نیست، پادشاه، نهایت پاک، سالم، (از هر عیب) امان دهنده، نگهبان، صاحب قدرت و صاحب عزت، (و) با شکوه، در نهایت بزرگواری، منزه است از آنچه به او شریک می‌آورند. او خداوند یست آفریننده، پدید آورنده، نگارنده اشکال، (و رنگ‌ها) دارای نیکوترین نام‌ها و (صفات) آنچه در آسمان‌ها و در زمین است او را بپاکی یاد می‌کنند و هم اوست صاحب قدرت (و) با حکمت».

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾

«بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

﴿إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا ١ وَأَخۡرَجَتِ ٱلۡأَرۡضُ أَثۡقَالَهَا ٢ وَقَالَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا لَهَا ٣ يَوۡمَئِذٖ تُحَدِّثُ أَخۡبَارَهَا ٤ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوۡحَىٰ لَهَا ٥ يَوۡمَئِذٖ يَصۡدُرُ ٱلنَّاسُ أَشۡتَاتٗا لِّيُرَوۡاْ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٦ فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ٧ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ ٨﴾ [الزلزلة: 1-8][[38]](#footnote-38). ترجمه: «وقتی که زمین به (همان) زلزله شدید (خود روبرو) شود، و زمین گرانباری خود را بیرون افگند، (بگونه ایکه) انسان بگوید: زمین را چه شده است؟ در آن روز زمین خبرهای خود را بیان می‌کند. به سبب آنکه پروردگار تو به آن امر کرده است. در آن روز (دسته دسته) از مردم بگونه متمایز و جدا شده‌ای براه می‌افتد. پس هرکه به وزن ذره‌ای خوبی کرده باشده آن را می‌بیند. و هر که به وزن ذره‌ای بدی کرده باشد (نیز) آنرا می‌بیند».

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾ «بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١ لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ٢ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٣ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ ٤ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٥ لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ٦﴾ [الکافرون: 1-6][[39]](#footnote-39).

ترجمه: «بگو: ای کافران. آنچه را شما می‌پرستید من نمی‌پرستم. و نه (هم) شما پرستنده چیزی هستید که من آن را می‌پرستم. و نه (هرگز) من پرستنده چیزی هستم که شما آن را می‌پرستید. و نه (هم) شما پرستنده چیزی هستید که من آن را می‌پرستم. برای شما است دین شما و برای من است دین من».

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾

«بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

﴿إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ ١ وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا ٢ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا ٣﴾ [النصر: 1-3][[40]](#footnote-40).

ترجمه: «هنگامیکه یاری خداوند و پیروزی فرا رسید. و دیدی که مردم گروه گروه بدین خدا داخل می‌شوند. پس پروردگار خود را بپاکی یاد کن و از او آمرزش بخواه حقا که او بسیار توبه‌پذیر است».

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾ «بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ٤﴾ [الاخلاص: 1-4][[41]](#footnote-41).

ترجمه: «بگو: اوست خدای یکتا است. ذاتی که از همه کس همه چیز بی‌نیاز است. نه زاده است و نه (هم) زاده شده است. و نه هیچکس همتای اوست».

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾ «بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥﴾ [الفلق: 1-5].

ترجمه: «بگو: پنام می‌برم به پروردگار صبحگاه. از شر آنچه بیافریده است. و از شر تاریکی هنگامیکه گسترش می‌یابد. و از شر آنانیکه در گره‌ها می‌دمند. و از شر حاسدی چون رشک می‌ورزد».

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾ «بنام خداوند بی‌اندازه مهربان (و) نهایت با رحم».

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦﴾ [الناس: 1-6][[42]](#footnote-42).

ترجمه: «بگو: به پروردگار مردم پناه می‌برم. به پادشاه مردم. به خداوند مردم. از شر وسوسه کننده پنهان شونده. آنکه در دلهای مردم وسوسه می‌افگند خواه از جنیان باشند یا آدمیان».

«أَصْبَحْنَا (أَمْسَيْنَا) وَأَصْبَحَ (وَأَمْسَى) الْمُلْكُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلّه لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لا إله إلا هو و إليه النشور»([[43]](#footnote-43))**.** (سه بار صبح و سه بار شام).

«ما و تمام جهانیان شب را برای اللهأ به صبح رسانیدیم، صبح نمودیم (و شام نمودیم) ثنا و ستایش از آن الله است. برای او شریک و همتایی وجود ندارد و بجز او معبودی نیست و بسوی او حشر صورت می‌گرد».

«أَصْبَحْنَا (أَمْسَيْنَا) عَلَى فِطْرَةِ الإسْلاَمِ وَعَلَى كَلِمَةِ الإخْلاَصِ وَعَلَى دِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ج وَعَلَى مِلَّةِ أَبِينَا إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»([[44]](#footnote-44)). (سه بار صبح و سه بار شام).

«ما بر فطرت اسلام و کلمه اخلاص و بر دین پیامبر ما حضرت محمد ج، و بر آیین پدر ما حضرت ابراهیم÷ صبح کردیم (شام نمودیم) همان ابراهیمی که فقط فرمانبردار و بسوی حق تمایل داشت و از زمرۀ مشرکان نبود».

«اللَّهُمَّ أَصْبَحْتُ (أَمْسَيْتُ) مِنْكَ فِيْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسِتْرٍ فَأَتِمَّ عليَّ نِعْمَتِكَ وعافِيَتَكَ وَسِتْرَكَ فِيْ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»([[45]](#footnote-45)). (سه بار صبح و سه بار شام).

«ای بار الها ! شب را به روز رسانیدم در حالیکه از نعمت سلامتی و پرده‌پوشی تو بهره مند می‌باشم، پس ای پروردگار متعال نعمت عافیت و پرده پوشی خود را در دنیا و آخرت برای من به اکمال رسان».

«اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِـيْ مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، فَمِنْكَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ»[[46]](#footnote-46). (سه بار صبح و سه بار شام).

«ای بار الها! هر نعمتی که بمن صبحگاهان و یا شامگاهان می‌رسد و یا به هر فردی که از مخلوق تو می‌رسد این نعمت‌ها تنها و تنها از جانب توبوده است برای تو شریکی و همتایی وجود ندارد ستایش سپاس‌گزاری ازآن تو است».

«يَا رَبِّيْ لَكَ الْـحَمْدُ كَمَا يَنْبَغِيْ لِجَلاَلِ وَجْهِكَ وَعَظِيْمِ سُلْطَانِكَ». (3 بار صبح و 3 بار شام). «ای پروردگار من! همه ثناء و ستایش تنها تو را زیبد، ثنای که شایسته عزت و شکوه تو و در خور سلطنت عظیم تو باشد».

«رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَبِالإِسْلامِ دِيناً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبِيّاً»[[47]](#footnote-47). (3 بار صبح 3 بار شام).

«به ربوبیت خدا و بداشتن دین اسلام و پیامبری محمد ج راضی و خوشنود هستم».

**«**سُبْحَانَ اللَّهِ وَبحَمْدِهِ، عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ**»**[[48]](#footnote-48).

(3 بار صبح و 3 بار شام).

«پاک است خداوند، و همه ثنا و ستایش از آن او است، تسبیح و ثنایی به تعداد مخلوقات او، و تسبیح و ثنایی لایق خوشنودی و رضای او، و تسبیح و ثنایی که برابر با عرش اوأ است، به اندازه رنگ قلمی که کلمات او تعالی به آن نوشته می‌شود».

**«**بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الأرْضِ وَلا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ**»**[[49]](#footnote-49).(3 بار صبح و 3 بار شام).

«بنام الله که با (خواندن) نامش چیزی نه در زمین و نه (هم) در آسمان گزند نمی‌رساند و اوست شنوا و دانا».

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نُشْرِكَ بِكَ شَيْئاً نَعْلَمُهُ وَنَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لاَ نَعْلَمُ»[[50]](#footnote-50).

(3 بار صبح و 3 بار شام).

«ای بار الها ! ما بتو پناه می‌بریم از اینکه دانسته چیزی را شریک تو سازیم و طلب مغفرت می‌کنیم از این که نا آگاهانه چیزی را با تو شریک گردانیم».

**«**أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»[[51]](#footnote-51). (3 بار صبح و 3 بار شام).

«پناه می‌برم به کلمه‌های کامل خداوند از شر (همه) چیزهایکه آفریده است».

«اللَّهُمَّ إني أعوذُ بكَ مِنَ الْـهَمِّ والحَزَنِ، وأعوذُ بكَ مِنَ العجْزِ والكَسَلِ، وأَعوذُ بك من البُخْلِ والجُبْنِ، وأعوذُ بكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وقَهْرِ الرِّجا**ل**»[[52]](#footnote-52).

«ای بار الها! من بتو پناه می‌برم از اندوه وغم، و بتو پناه می‌برم از ناتوانی و کسالت، و بتو پناه می‌برم از ترس و ممسکی، و بتو پناه می‌برم از قرضداری و قهر مردمان».

«اللَّهُمَّ أَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ، وَالْفَقْرِ، وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ»[[53]](#footnote-53).

«ای بار الها! بتو پناه می‌برم از کفر و تنگدستی، و بتو پناه می‌برم از عذاب قبر، و بجز تو هیچ معبودی نیست».

«اللَّهُمَّ عَافِنِيْ فِيْ بَدَنِيْ، اللَّهُمَّ عَافِنِيْ فِيْ سَمْعِيْ، اللَّهُمَّ عَافِنِيْ فِيْ بَصَرِيْ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ»[[54]](#footnote-54). (سه بار صبح و سه بار شام).

«بار الها! بدن من را سالم بگردان، ای بار الها! شنوایی من را سالم بساز، ای بار الها! بینایی من را سلامتی ببخش، نیست معبودی بجز تو».

«اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّيْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، خَلَقْتَنِيْ وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوْءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوْءُ بِذَنْبِيْ فَاغْفِرْ لِيْ فَإِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ إِلاَّ أَنْتَ»[[55]](#footnote-55). (3 بار صبح و 3 بار شام).

«ای بار الها! تو پروردگار منی بجز تو معبودی دیگر نیست، تو من را آفریدی و من بنده توام، و من بر عهد و پیمان تو و بر وعده تو بقدر توانایی خویش قائم ام، بتو پناه می‌برم از شر بدکاری‌های که من انجام دادم و بر نعمت‌های که بر من ارزانی نمودی اقرار می‌نمایم، و به گناهان خویش معترفم، گناهان من را ببخش و بجز تو هیچ کسی گناهان را نمی‌بخشد».

«أَسْتَغْفِرُ اللهَ الْعَظِيْمَ الَّذِيْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ»[[56]](#footnote-56). (3 بار صبح و 3 بار شام).

«از پروردگار بزرگ آمرزش می‌خواهم که بجز او معبودی نیست و او زنده جاوید و پاینده بذات خویش و بی‌زوال است».

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيْمَ وَعَلى آلِ إِبْرَاهِيْمَ، إِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيْمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيْمَ، إِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ»[[57]](#footnote-57). (10 بار صبح و 10 بار شام).

«ای بار الها! بر محمد ج و آل او رحمت بفرما، همچنانکه به ابراهیم÷ و آل او رحمت فرمودی، همانا تو ستوده و با عظمت هستی، بار الها! بر محمد ج و بر آل او برکت ارزانی فرما همچنانکه به ابراهیم÷ و آل او برکت ارزانی نمودی، همانا تو ستوده و سزوار ستایشی».

«سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ ِللهِ، وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ»[[58]](#footnote-58). (10 بار صبح و 10 بار شام).

«پاک است الله. همه ثناء و ستایش از آن او است و هیچ معبودی جز او نیست و الله بزرگ است».

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ المُلْكُ ولَهُ الحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيءٍ قَديْرٌ»[[59]](#footnote-59). (10 بار صبح و 10 بار شام).

«نیست معبودی بجز الله و الله تعالی یگانه و یکتا است، برای او هیچ شریکی نیست، پادشاهی ازآن اوست، و همه ستایش برای اوست و اللهأ به همه چیزها توانا است».

«سُبْحَاَنكَ اللَّهُمَ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»[[60]](#footnote-60). (10 بار صبح و 10 بار شام).

«پاکی تو ای اللهأ. همه ستایش ترا است، گواهی می‌دهم بر اینکه بجز تو معبودی نیست، از تو آمرزش میطلبم و بتو توبه گارم».

طریقه وضوء و دعاهای آن

چون وضوء عملی است اسلامی ازینرو احتیاج به نیت دارد، و نیت بصورت خاص اراده کردن در دل برای ادای آن عملی است که قصد ادای آن را دارد. و سپس بسم الله[[61]](#footnote-61). بگوید و دست‌های خود را تا به بند سه بار بشوید، و سپس دهان خود را سه مرتبه بشوید، بعد بینی خود را سه بار بشوید، و آب را از بینی خود با بیرون کشیدن نفس خارج کند، و سپس روی خود را سه بار بشوید، و بعد دست‌های خود را تا آرنج‌ها بشمول آرنج‌ها بشوید و بعد تمام سر خود را مسح نماید و با دست‌های تر گوش‌های خود را نیز مسح کند، بعد پاهای خود را سه بار تا کلۀ پای (بجلک) بشمول کله بشوید، در ختم وضوء اگر حفظ داشته باشد همه این دعا و یا یکی ازین دعاهای مأثوره را بخواند. و دعاها چنین است:

**«**أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»[[62]](#footnote-62).

«گواهی می‌دهم باینکه بجز خداوند معبودی برحق نیست، خداوند یگانه و یکتا است، برای او شریکی نیست، و گواهی می‌دهم باینکه محمد ج بنده خدا و رسول اوست».

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ المُتَطَهِّرِينَ»[[63]](#footnote-63).

«ای بار خدایا! مرا از زمره توبه گاران و پاکیزگان بگردان».

«سُبْحَاَنكَ اللَّهُمَ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»[[64]](#footnote-64).

«پاکی تو ای الله. همه ستایش ترا است، گواهی می‌دهم بر اینکه بجز تو معبودی نیست، از تو آمرزش می‌طلبم و بتو توبه گارم».

نماز خواندن

طریقه ادای نماز

دو رکعت نماز باین ترتیب ادا می‌گردد:

نیت نماز:

برای ادای نماز در دل اراده نمودن همان نماز و عدد رکعات همان نماز کافی است. و بعد (الله اکبر) می‌گوییم با گفتن الله اکبر دست‌ها را بگوش‌ها برابر نرمه گوش می‌رسانیم و بعد می‌بندیم و سپس ثنا می‌خوانیم.

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلاَ إِلَهَ غَيْرُكَ»[[65]](#footnote-65).

«پاکی تو ای الله و همه ستایش ترا است، و بابرکت است نام تو و بزرگی تو مقام والای دارد و نیست معبودی بجز تو».

و بعد «أَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ» می‌گویم: یعنی: «به خدای متعال پناه می‌برم از (شر) شیطان رانده شده». و سپس «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌گویم: «بنام خداوند بی‌اندازه مهربان»، و نهایت با رحم. و بعداً سوره فاتحه را می‌خوانیم:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧﴾ [الفاتحة: 2-6].

ترجمه: «ستایش خدای راست پروردگار جهانیان خدای که بی‌اندازه مهربان و نهایت با رحم است. خداوند روز جزا است. خاص ترا می‌پرستیم و خاص از تو کمک می‌خواهیم. به ما راه راست را بنما. راه کسانی را که بر ایشان نعمت خویش را ارزانی کرده‌ای نه راه کسانی را که مورد خشم واقع شده‌اند و نه هم راه گمراهان». سپس سوره از سورهای قرآن و یا چند آیه‌ای از آیات قرآن کریم را تلاوت می‌نماییم: مثلاَ سوره (الماعون):

﴿أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ ١ فَذَٰلِكَ ٱلَّذِي يَدُعُّ ٱلۡيَتِيمَ ٢ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ٣ فَوَيۡلٞ لِّلۡمُصَلِّينَ ٤ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ ٥ ٱلَّذِينَ هُمۡ يُرَآءُونَ ٦ وَيَمۡنَعُونَ ٱلۡمَاعُونَ ٧﴾ [الماعون: 1-7].

ترجمه: «آیا کسی را که روز جزا را تکذیب می‌کند دیدی؟ این همان کسی است که یتیم را با اهانت میراند، و به طعام دادن محتاج تشویق نمیکند، پس وای بر آن نماز‌گذارانی که از نماز‌شان غافل‌اند، آنانی که ریا می‌کنند و سامان (مورد نیاز) نیازمندان را (از ایشان) منع می‌نمایند».

و بعد از آن «الله اکبر» گفته و برکوع می‌رویم، و با هردو دست هردو زانوی خود را می‌گیریم. و این تسبیح را حد اقل سه بار می‌خوانیم: «سبحان ربي العظيم» «پروردگار با عظمت من پاک است». سپس «سمع الله لـمن حمده» را گفته از رکوع بلند می‌شویم. (شنیده است خداوند از بنده که او را ستوده است). و متصل آن در حالیکه ایستاده‌ایم می‌گوییم: «ربنا لك الحمد» «ای پروردگارما تراست همه ستایش». بعد «الله اكبر» گفته به سجده می‌رویم و در سجده اول زانو‌ها و بعداً هر دو دست را و سپس بینی و بعد از آن پیشانی خود را بزمین می‌گذاریم و درحالیکه هردو دست محاذی گوش‌ها و انگشت‌ها رو بقبله می‌باشد سجده می‌نماییم.

بعد از آن سه بار «سبحان ربي العظيم» می‌گوییم. «پروردگار عالی شأن من پاک است». سپس «الله اكبر»گفته و از سجده اول پیشانی سپس بینی بعد از آن دست‌ها را بر داشته و پای چپ را در زمین فرش نموده قدم پای راست را بلند می‌کنیم و می‌نیشنیم. و دست‌های خود را بالای ران‌های خود می‌گذاریم و بعد ازینکه کاملا بر زمین قرار گرفته دوباره تکبیر گفته و به سجده دوم می‌رویم و بعد از ادای سجده دوم «الله اكبر» گفته برای ادای رکعت دوم بلند می‌شویم. و در رکعت دوم ثنا «سبحانك اللهم» را نمی‌خوانیم و این رکعت را مانند رکعت اول بجا می‌آوریم. بعد از تمام سجده دوم رکعت دوم در قعده می‌نیشنیم و این طور تشهد می‌خوانیم:

«التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»[[66]](#footnote-66).

«تمام تحیت‌های (قولی و بدنی و مالی) برای خدای متعال است. سلام بر توباد ای نبی ج و رحمت خدا و برکات او. سلام باد برما و بر بندگان نیکوکار خداوند. گواهی می‌دهم باینکه جز خداوند معبودی نیست و گواهی می‌دهم که محمد ج بنده خدا و رسول اوست».

سپس این درود را می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إبْرَاهِيمَ و عَلَى آلِ إبْرَاهِيمَ إنَّكَ حَمِيدٌ مَجيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إبْرَاهِيمَ و عَلَى آلِ إبْرَاهِيمَ إنَّكَ حَمِيدٌ مَجْيدٌ»[[67]](#footnote-67).

«ای بار خدایا درود بفرست بر محمد ج و بر آل محمد ج همچنانکه درود فرستادی بر ابراهیم÷ و بر آل ابراهیم، همانا تو ستوده و با عظمتی. ای بارخدایا برکت بگذار بر محمد ج و بر آل محمد ج چنانکه برکت نهادی بر ابراهیم÷ و بر آل ابراهیم÷ حقا که تو بزرگی و سزاوار ستایشی». بعداً دعاهای مانند دعای حسنه را بخواند:

﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾ [البقرة: 201].

«ای بار الها! بما در دنیا خوبی بده و در آخرت خوبی بده، و ما را از عذاب دوزخ نگهدار». از جمله دعاهای مأثوره این دعا نیز می‌باشد:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ ظَلَمْتُ نَفْسِيْ ظُلْماً كَثِيْراً، وَلاَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ إِلاَّ أَنْتَ، فَاغْفِرْ لِيْ مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِيْ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ»[[68]](#footnote-68).

«ای بار الها! همانا من برخویشتن ظلم بسیاری نمودم و کسی نمی‌تواند گناهی را ببخشد جز تو، پس بیامرز مرا به آمرزش خاص خویش و به من رحم فرما، حقا که تو آمرزنده و مهربانی».

نماز استخاره

شخصی مسلمان وقتی می‌خواهد در امر مهم و یا کاری ضروری اقدام نماید مانند: ازدواج، سفر، تجارت، و امثال آن. طریقه مسنونه اینست که دو رکعت نماز به نیت استخاره اداء نماید و بعد از ختم نماز دعاییکه درین مورد از آنحضرت ج روایت شده بخواند و حاجت خود را طلب و درباره رسیدن بمقصد خود از خداوندأ استعانت بجوید و بعد از میلان قلبی بطرف همان چیز آن را عملی نماید.

دعای استخاره:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْتَخِيْرُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيْمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلاَ أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلاَ أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلاَّمُ الْغُيُوْبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَـذَا الأَمْرَ وَيُسَمِّيْ حَاجَتَـهُ خَيْرٌ لِيْ فِيْ دِيْنِـيْ وَمَعَاشِيْ وَعَاقِبَـةِ أَمْرِيْ أَوْ قَالَ: عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ فَاقْدِرْهُ لِيْ وَيَسِّرْهُ لِيْ ثُمَّ بَارِكْ لِيْ فِيْهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الأَمْرَ شَرٌّ لِيْ فِيْ دِيْنِيْ وَمَعَاشِيْ وَعَاقِبَةِ أَمْرِيْ أَوْ قَـالَ: عَاجِلِهِِ وَآجِلِهِ فَاصْرِفْهُ عَنِّيْ وَاصْرِفْنِيْ عَنْهُ وَاقْدِرْ لِيْ الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ أَرْضِنِيْ بِهِ»[[69]](#footnote-69).

«ای بار الها! طلب خیر می‌کنم ترا به یاری علم تو، و طلب قدرت می‌کنم از تو بوسیله قدرت (کامله) تو، و سوال می‌کنم ترا از فضل بزرگ تو، همانا تو صاحب قدرتی و من قدرتی ندارم، و تو می‌دانی و من نمی‌دانم، و تو داننده غیب‌هایی، ای بار الها! تو می‌دانی که این کاری را که من به آن تصمیم گرفتم در امر دین من و دنیای من و انجام کار من بخیر من است، آن را برای من مقدر کن و آسان بگردان، و من را به آن کار برکت و افزونی ده، ای بار الها! تو می‌دانی که این کار را که من به آن تصمیم گرفتم در دین من و دنیای من و انجام کار من به ضرر من می‌باشد آنرا از من باز گردان و مرا از آن، و برای من نیکی را هرجاییکه باشد مقدر نما، و مرا به آن راضی بگردان».

نماز حاجت:

اگر مشکلی در مسیر زندگی به بنده مسلمان پیدا شد که با وجود سعی و کوشش انسانی او و مهیا شدن اسباب این مشکل رفع نگردید. درین وقت او دو رکعت نماز را به نام نماز حاجت اداء می‌کند و بعد از ادای نماز حمد و ثنا برای خداندأ گفته و درود بر روان پاک آنحضرت ج می‌فرستد و سپس این دعا را می‌خواند و مطلب خویش را از خداوند متعال طلب می‌کند.

دعای حاجت:

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ الْحَلِيْمُ الكريمُ، سبحانَ اللهِ ربِّ العرشِ العظيمِ، الحمدُ للهِ ربِّ العالَمِين، أسألكَ موجباتِ رحمتِكَ، وعزائمَ مغفرتِكَ، والغنيمةَ من كلِّ بِرٍّ، والسلامةَ من كل إِثمٍ، لا تَدَعْ لي ذنبا إِلاَّ غفرتَهُ ولا همّاً إِلا فَرَّجْتَه، ولاَ حاجةً هي لكَ رِضى إِلاَّ قضيتَها يا أرْحمَ الراحمين»[[70]](#footnote-70).

«نیست معبودی بجز خدای حلیم و کریم، پاک است خداوند پروردگار عرش بزرگ است، ستایش خدای را است پروردگار جهانیان، سوال می‌کنم ترا اعمال که موجب رحمت تو گردد، و خصلت‌ها یکه سبب آمرزش از جانب تو شود، و پاکی از هر گناه، و غنمیت از هر نیکی، و سلامتی از هر معصیتی، مگذار برای من هیچ گناه مگر آنکه آن را بیامرزی، و نه هم هیچ اندوهی مگر آنکه آنرا بگشایی، و نه هم هیچ حاجتی که تو به آن راضی باشی مگر آنکه آن را بدهی، ای مهربان‌ترین مهربانان».

دعاهای متفرقه

دعای وقت بیرون شدن از منزل:

«بِسْمِ اللهِ تَوَّكَّلْتُ عَلَى اللهِ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ»[[71]](#footnote-71). «بنام خداوند بر خداوند توکل نمودم، و هیچ جای بازگشتی و قوتی جز خداوند نیست».

«اللَّهُمَ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَزِلَّ، أَوْ أُزَلَّ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ»[[72]](#footnote-72).

«ای بار الها! من بتو پناه می‌برم از اینکه کسی را گمراه بسازم، و یا کسی من را گمراه بسازد، و یا کسی را بلغزانم، و یا کسی من را بلغزاند، و یا بکسی ظلم نمایم، و یا کسی بمن ظلم نماید، و یا بکسی جهالت نمایم، و یا کسی بمن جهالت نماید».

«بِسْمِ اللهِ وَلَجْنَا، وَبِسْمِ اللهِ خَرَجْنَا، وَعَلَى رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا»([[73]](#footnote-73)).

«بنام خداوندأ (به منزل) داخل شدیم و بنام خداوندأ (از منزل) خارج شدیم، و بر پروردگار ما توکل کردیم».

دعای مسافر:

شخص وقتی می‌خواهد سفر نماید با دوستان و اقارب خود چنین وداع می‌کند:

«أَسْتَوْدِعُ اللهَ دِيْنَكَ، وَأَمَانَتَكَ، وَخَوَاتِيْمَ عَمَلِكَ»[[74]](#footnote-74).

«من دین ترا، و امانت ترا، و خاتمه عمل ترا، بخداوند می‌سپارم».

«أَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ الَّذِيْ لاَ تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ»[[75]](#footnote-75).

«ترا به خداوند می‌سپارم، خدایکه چون باو چیزی سپرده شود ضایع نمی‌گردد».

دعای وقت روان شدن به سفر:

«اللَّهمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَلَدِ»[[76]](#footnote-76).

«ای بار الها! تویی صاحب (من) در سفر و نائب (من) در خانواده (من) ای بار الها! بتو پناه می‌برم از مشقت‌های سفر، و منظر بد، و از دیگرگونی و بدحالی در مال و خانواده و فرزند [خویش]».

دعای وقت سوار شدن بوسایل سفر:

«اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقۡرِنِينَ ١٣ وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ١٤﴾ [الزخرف: 13-14]. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِيْ سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِيْ السَّفَرِ، وَالْخَلِيْفَةُ فِيْ اْلأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ، وَسُوْءِ الْمُنْقَلَبِ فِيْ الْمَالِ وَاْلأَهْلِ»[[77]](#footnote-77).

«خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، «پاک است آنکه برای (استفاده) ما این (مرکوب) را رام ساخت است، و ما خود به (تسخیر) آن دسترسی نداشتیم، حقا که ما به پروردگار خود بازگشتنی هستیم: ای بار اله»ا! ما از تو درین سفر نیکوکاری و پرهیزگاری را مسئلت می‌نماییم، و نیز عملی را که پسندیده بارگاه تو است، ای بار الها! بر ما این سفر ما را سهل و آسان بساز، و فاصلۀ دور آن را بر ما نزدیک بگردان، ای بار الها! تویی صاحب (من) در سفر و نائب (من) در خانواده (من) ای بار الها! بتو پناه می‌برم از مشقت‌های سفر و منظر بد، و از دگرگونی و بدحالی در مال و فرزند [خویش]».

دعای بازگشت از سفر:

«آيِبُوْنَ، تَائِبُوْنَ، عَابِدُوْنَ، لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ»[[78]](#footnote-78).

«رجوع کنندگان (از سفر) توبه‌گاران و عبادت کنندگان مر پروردگار خود بوده و او را ثنا و ستایش می‌نماییم».

دعای طلب باران:

«﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤﴾ [الفاتحة: 2-4]. لَا إلَهَ إلَّا اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إلَهَ إلَّا أَنْتَ: أَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ. أَنْزِلْ عَلَيْنَا الْغَيْثَ، وَاجْعَلْ مَا أَنْزَلْت عَلَيْنَا قُوَّةً وَبَلَاغًا إلَى حِينٍ»[[79]](#footnote-79)**.**

«ستایش خدای راست که پروردگار جهانیان است، خدای بی‌اندازه مهربان، و نهایت بارحم، پادشاه روز جزا، نیست معبودی بجز خداوند آنچه را اراده نماید انجام می‌دهد، ای بار الها! تو خدایی و بجز تو معبودی نیست، تو بی‌نیازی، و ما محتاج‌ایم، بر ما باران (رحمت خویش) را نازل فرما، و آنچه را که بر ما نازل نمودی (سبب) قوت و بسنده ساز تا میعاد معینی بگردان».

دعای وقت داخل شدن به مسجد:

«أَعُوْذُ بِاللهِ الْعَظِيْمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيْمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيْمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الَّرَجِيْمِ»[[80]](#footnote-80).

«پناه می‌برم بخداوند بزرگ، و بذات کریم او، و قدرت و غلبۀ قدیم او از شر شیطان رانده شده».

«بِسْمِ اللهِ وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَى رَسُوْلِ اللهِ اللَّهُمَّ اغفر لِيْ ذُنٌوبِيْ وافْتَحْ لِيْ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»[[81]](#footnote-81).

«بنام خداوند صلات و سلام بر رسول خدا ج، ای بار الها! گناهان مرا بیامرز و دروازه‌های رحمت خویش را برایم بگشای».

دعای وقت بیرون شدن از مسجد:

«بِسْمِ اللهِ وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَى رَسُوْلِ اللهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيْ ذُنُوبِيْ وافْتَحْ لِيْ أَبْوَابَ فَضْلِكَ»[[82]](#footnote-82).

«بنام خداوند صلات و سلام بر رسول خدا ج، ای بار الها! گناهان مرا بیامرز و دروازه‌های فضل خویش را برایم بگشای».

دعای وقت داخل شدن به بازار:

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌّ لاَ يَمُوْتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ»[[83]](#footnote-83).

«نیست معبودی بجز الله و خداوند یگانه و یکتا است، برای او هیچ شریکی نیست، و پادشاهی از آن او است، و (همه) ستایش از آن او است، زنده می‌گرداند و میمیراند، و او است زنده ابدی که هیچ نمی‌میرد، و به ید بلا کیف اوست خیرها، و او بر همه چیزها توانا است».

دعای داخل شدن به بیت الخلاء:

«بِسْمِ اللهِ، اللهُمَّ إِنّي أعُوذُ بِكَ مِنَ الخُبُثِ والخبائِثِ»[[84]](#footnote-84).

«بنام خداوند، ای بار الها! من به تو پناه می‌برم از (شر) شیطان‌های نر و ماده».

دعای وقت بیرون شدن از بیت الخلاء:

«[غُفْرانَكَ]الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَذْهَبَ عَنِّى الأَذَى وَعَافَانِى»[[85]](#footnote-85).

«آمرزش ترا میطلبم. ثنا و ستایش مرا خدایرا که از من چیزهای مؤذی را دور نموده و مرا عافیت بخشیده است».

دعای تعزیت:

«إِنَّ ِللهِ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أَعْطَى وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُسَمَّى، فَلِتَصْبِرْ وَلِتَحْتَسِبْ»[[86]](#footnote-86).

«کسی را که میرانیده است از آن خداوند بوده است، همه چیزهایی را که داده‌است از آن او است، هر چیز در نزد خداوند میعاد معینی دارد، پس صبر کن خداوند برایت مزد و پاداش می‌دهد».

دعای زیارت قبور:

«السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُسْلِمِيْنَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لاَحِقُوْنَ وَيَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِيْنَ أَسْأَلُ اللهَ لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ»[[87]](#footnote-87).

«سلام باد بر شما اهل دیار از مؤمنان و مسلمانان، و بدون شک ما هم اگر خداوند بخواهد بشما حتما پیوست شدنی هستیم، خداوند گذشتگان و آیندگان ما را مورد رحمت خود قرار دهد، از خداوند برای خود و شما عافیت (سلامتی از عذاب دنیا و آخرت را) می‌خواهم».

دعای پیش از شروع طعام:

وقتی انسان می‌خواهد طعام بخورد «بسم الله» می‌گوید، و اگر گفتن «بسم الله» در آغاز طعام خوردن از یادش رفته بود این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللهِ فِيْ أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ»[[88]](#footnote-88). «بنام خداوند در اول و آخر طعام شروع می‌نمایم».

دعای بعد از فراغت از طعام:

«الْحَمْدُ ِللهِ الَّذِيْ أَطْعَمَنِيْ هَذَا وَرَزَقَنِيْهِ، مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّيْ وَلاَ قُوَّةٍ»[[89]](#footnote-89).

«ثناء و ستایش مر خدای را که مرا طعام داده‌است و روزی را بدون صرف نمودن قوت و قدرت من، برایم ارزانی نموده است».

دعای مهمان برای میزبان:

«اللهُمَّ أَطْعِمْ مَنْ أطْعَمَني وأَسْقِ مَنْ سْقَاني»[[90]](#footnote-90).

«ای بار الها! کسی که مرا طعام خورانیده است او را طعام بده و کسی که مرا نوشانیده است او را بنوشان».

دعای روزه دار برای کسیکه او را افطاری داده است:

«أَفْطَرَ عِنْدَكُمُ الصَّائِمُوْنَ، وَأَكَلَ طَعَامَكُمْ الأَبْرَارُ، وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ المَلاَئِكَةُ»[[91]](#footnote-91).

«روزه داران در نزد شما افطار نمودند و نیکوکاران از طعام شما خوردند و فرشتگان بر شما رحمت فرستادند».

دعای وقت افطار:

«ذَهَبَ الظَّمَأُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوْقُ، وَثَبَتَ اْلأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللهُ»[[92]](#footnote-92).

«تشنگی از بین رفت، و رگ‌ها تر شد، و ثواب حاصل گردید، اگر خداوند بخواهد».

دعای وقت عیادت مریض:

«لاَ بَأْسَ طَهُوْرٌ إِنْ شَاءَ اللهُ»[[93]](#footnote-93).

«کدام حرجی نیست (این بیماری) اگر خداوند بخواهد (وسیله) پاکی گناهانت می‌گردد».

دعای عطسه زننده:

زمانی که انسان عطسه می‌زند بگوید: «الحَمْدُ ِللهِ» ثناء و ستایش باد مر خدا را. و کسیکه به نزدش موجود است بگوید: **«**يَرْحَمُكَ اللهُ» خداوند ترا مورد رحمت خود قرار دهد. و عطسه زننده در جوابش این دعا را بگوید: «يَهْدِيْكُمُ اللهُ وَيُصْلِحُ بَالَكُمْ»[[94]](#footnote-94). «خداوند شما را هدایت کند و حال شما را درست بگرداند».

دعای برای کسیکه ازدواج نموده است:

«بَارَكَ اللهُ لَكَ، وَبَارَكَ عَلَيْكَ، وَجَمَعَ بَيْنَـكُمَا فِيْ خَيْر»[[95]](#footnote-95). «خداوند برای تو و برتو برکت بگذارد و خداوند به هردوی شما خیر و خوبی ارزانی کند».

دعای خیر و برکت بر متاعی که انسان خریداری می‌کند:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا جَبَلْتَهَا عَلَيْهِ وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا جَبَلْتَهَا عَلَيْهِ»[[96]](#footnote-96).

«ای بار الها! من از تو خیر این چیز را و خیری که در آن آفریدی می‌خواهم، و از شر آن و شری را که در آن آفریده‌ای بتو پناه می‌برم».

دعای وقت دیدن ماه نو:

«اللهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِاْلأَمْنِ وَاْلإِيْمَانِ، وَالسَّلاَمَةِ وَاْلإِسْلاَمِ، وَالتَّوْفِيْقِ لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى، رَبُّنَا وَرَبُّكَ اللهُ»([[97]](#footnote-97)).

«خدا بزرگ است، ای بار الها! طلوع این ماه را بر ما مایه امن و ایمان و سلامتی و اسلام و توفیق بر چیزیکه تو آن را دوست داری و بآن راضی هستی بگردان، پروردگار ما و پروردگار تو خداوندأ است».

دعای وقت دیدن در آینه:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَسَّنَ خَلْقِي وَخُلُقِي وَزَانَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي»[[98]](#footnote-98).

«ثنا و ستایش مر خدای را که آفرینش و اخلاق مرا نیکو ساخته است، و چیزهایکه بدیگران عیب بوده بمن زینت گردانیده است».

دعای وقت آواز رعد و برق:

«سُبْحَانَ الَّذِيْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالمَلاَئِكَةُ مِنْ خِيْفَتِهِ»[[99]](#footnote-99).

«پاک است خدای که رعد ثنا و ستایش او را ‌مینماید، و فرشتگان از وی ترس و خوف دارند».

دعای وقت نوشیدن آب زمزم:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ عِلْماً نَافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً و شفاءً مِن كل داءٍ بِرَحْمَتِكَ يا أَرحم الراحمين»[[100]](#footnote-100). «ای بار الها! من از تو علم پر منفعت و روزی فراخ و صحت یابی از هر دردی را می‌خواهم، برحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان». (توسل می‌جویم).

دعای ختم مجلس:

«سُبْحَاَنكَ اللَّهُمَ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»[[101]](#footnote-101).

«ای الله تو پاکی، ثناء و ستایش تو راست، گواهی می‌دهم باینکه جز تو معبودی نیست، از تو آمرزش می‌طلبم و به تو توبه گارم».

دعای وقت همبستر شدن با همسر:

«بِسْمِ اللهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا»[[102]](#footnote-102).

«بنام خداوند، ای بار الها! ما را از (شر) شیطان نگهدار، و اولادهای که بما عطا می‌کنی از (شر) شیطان نگهدار».

دعای قبل از خواب:

«بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوْتُ وَأَحْيَا»[[103]](#footnote-103).

«بنام تو ای بار الها! می‌میرم و زنده می‌گردم».

دعای وقت بیدار شدن از خواب:

«الحَمْدُ للهِ الَّذِي أَحْيَانا بَعْدَ مَا أمَاتَنَا وإلَيْهِ النُّشُورُ»[[104]](#footnote-104).

«ثناء و ستایش مر خدای را که ما را بعد از میرانیدن زنده گردانیده و بسوی او حشر و نشر ما است».

دعای عقیقه:

«بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ هَذِهِ عَقِيقَةُ فُلانٍ»[[105]](#footnote-105).

«بنام خدا، خدا بزرگ است، ای بار الها! از تو است، و برای تو، این عقیقه فلان (نام مولود را بگیرد».

**«**اَللَّهُمَّ هذه عقيقةُ فلانٍ دَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ، وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِيْ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ حَنِيْفاً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ، إِنَّ صَلاَتِيْ، وَنُسْكِيْ، وَمَحْيَايَ، وَمَمَاتِيْ، ِللهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، لاَ شَرِيْكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِيْنَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ».

«ای بار الها! این عقیقه فلانی (اینجا نام مولود گفته شود) است خون آن بخون او، استخوان آن به استخوان او، پوست آن به پوست او، موی آن بموی او، من بسوی آن ذاتی رو آوردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده است در حالیکه من از انحرافات برکنارم و از مشرکان نیستم، واقعاً نماز من، نسک من، زندگی من، و مرگ من برای خدا است، پروردگار جهانیان ذاتی که شریکی ندارد و من باین مأمور شده ام و من نخستین مسلمان هستم، خدایا! از تو است و برای تو». چون بدینجا رسید حیوان را ذبح نماید.

دعای قنوت:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ، وَنَسْتَغْفِرُكَ، ونُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِيْ عَلَيْكَ الْخَيْرَ، وَنَشْكُرُكَ وَلاَ نَكْفُرُكَ، وَنَخْلَعُ مَنْ يَكْفُرُكَ اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ، وَلَكَ نُصَلِّيْ وَنَسْجُدُ، وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ، وَنَرْجُوْ رَحْمَتَكَ، وَنَخْشَى عَذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكُفَّارِ مُلْحَقٌ»([[106]](#footnote-106)).

«ای بار الها! از تو یاری می‌جوییم، و از تو آمرزش می‌خواهیم، و بتو ایمان می‌آوریم، و به تو توکل می‌ورزیم، و به تو ثناء خیر می‌گوییم، و ترا شکر می‌کنیم، و نا سپاسی نمی‌کنیم، و کسانی را که از اوامر تو سر پیچی می‌کنند می‌گذاریم و ترک می‌دهیم، ای بار الها! خاص ترا می‌پرستیم و خاص برای تو نماز می‌گذاریم، و خاص ترا سجده می‌کنیم، و بسوی تو می‌شتابیم، و بتو اخلاص می‌ورزیم، رحمت ترا می‌جوییم، و از عذاب تو می‌ترسیم، واقعاً که عذاب تو بکافران پیوست است».

دعای نجات از غم و اندوه:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ، ابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِيْ بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِيْ كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ، أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِيْ عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيْعَ قَلْبِيْ، وَنُوْرَ صَدْرِيْ، وَجَلاَءَ حُزْنِيْ، وَذَهَابَ هَمِّيْ»([[107]](#footnote-107)).

«ای بار الها! من بنده تو‌ام و فرزند بنده توام و فرزند کنیز توام پیشانی من بید تو است، حکم تو در من جاری است، فیصله تو در مورد من عدل و انصاف است، تو به هر اسمیکه خود را بآن نام گذاری کرده ای و یا آن اسم را در کتاب خویش نازل فرموده‌ای، و یا آن اسم را بکسی از مخلوق خویش تعلیم داده‌ای، و یا آن اسم را در نزد خویش در علم غیبی که بآن داری اختیار نمودی، سوال می‌کنم که قرآن را بهار دلم و نور سینه‌ام و وسیله برای دوری از غم و اندوه‌ام بگردان».

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ»[[108]](#footnote-108).

«ای بار الها! من بتو پناه می‌برم از اندوه و غم، و به تو پناه می‌برم از نا توانی و کسالت، و به تو پناه می‌برم از ممسکی و ترس، و بتو پناه می‌برم از قرض داری و قهر مردها».

دعای بی‌قراری:

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ الْعَظِيْمُ الحَلِيْمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ اْلأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمُ»[[109]](#footnote-109).

«نیست معبودی بجز خدای حلیم و عظیم، نیست معبودی بجز خداوند پروردگار عرش بزرگ، نیست معبودی بجز خداوند پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش کریم».

«اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلاَ تَكِلْنِيْ إِلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِيْ شَأْنِيْ كُلَّهُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ»[[110]](#footnote-110).

«ای بار الها! امید رحمت تو را دارم مرا به اندازه یک پلک چشم به نفس من مسپار، و تمام کارم را درست فرما، نیست معبودی جز تو».

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ»[[111]](#footnote-111). «نیست معبودی جز تو، پاکی تو، همانا من از جمله ستمگاران بودم».

«اللهُ اللهُ رَبِّيْ لاَ أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً»[[112]](#footnote-112). «الله، الله، پروردگار من است، باو هیچ چیزی را شریک نمی‌سازم».

دعای رفع نا آرامی و یا ترس در خواب:

«أَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِيْنِ وَأَنْ يَحْضِرُوْنِ»[[113]](#footnote-113).

«پناه می‌برم به کلمه‌های تمام خداوند از خشم و عذاب خداوند، و از شر بنده‌گان خداوند، و از وسوسه‌های شیاطین، و از حاضر شدن شیطان‌ها».

دعای برای عزت و رسیدن بمقام و منصب:

﴿ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٦ تُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۖ وَتُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَتُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّۖ وَتَرۡزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٢٧﴾ [آل‌عمران: 26-27].

«ای بار الها! ای مالک ملک به هر کسی که خواهی پادشاهی می‌دهی و از هر کسی که به خواهی پادشاهی را می‌گیری، هر که را خواهی عزت می‌دهی و هرکه خواهی ذلیل می‌گردانی، شب را به روز داخل می‌کنی و روز را بشب داخل می‌کنی، زنده را از مرده بیرون می‌کنی و مرده را از زنده بیرون می‌کنی، و هر که را خواهی روزی بی‌شمار می‌دهی».

دعای طلب علم:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ عِلْماً نَافِعاً و أَعُوْذُ بِكَ مِنْ عِلمٍ لا يَنفع»[[114]](#footnote-114).

«ای بار الها! من از تو علم پر منفعت میخواهم و پناه میبرم بتو از علمیکه در آن نفعی نمی‌باشد».

دعا برای جلوگیری از امراض خطرناک:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُذَامِ، وَالْجُنُونِ، وَسيِّئِ الأَسْقَامِ»[[115]](#footnote-115).

«ای بار الها! بتو پناه می‌برم از (مبتلا شدن) به پیسی، دیوانگی، بندخوره، و سایر مرض‌های بد».

دعای صحتی و سلامتی:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِيْ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ»[[116]](#footnote-116).

«ای بار الها! من از تو سوال صحتی و سلامتی را در دنیا و آخرت می‌نمایم».

دعای نجات از شرک:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لاَ أَعْلَمُ»[[117]](#footnote-117).

«ای بار الها! من بتو پناه می‌برم از اینکه بتو شریک بگیرم در حالیکه من می‌دانم، و از تو آمرزش می‌طلبم از (شرک و) چیزی که من نمی‌دانم».

دعای وقت دیدن مصیبت زده:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلاكَ بِهِ، وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلاً»[[118]](#footnote-118). «ثناء و ستایش مر خدای را که مرا از چیزیکه ترا بآن مبتلاء نموده است نجات داده‌است، و مرا بر بسیاری از مخلوق خود فضیلت و برتری بخشیده است».

دعای بعد از اذان:

«اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلاَةِ القَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّداً الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوْداً الَّذِيْ وَعَدْتَهُ»[[119]](#footnote-119).

«ای بار الها! صاحب این دعوت کامله، و نماز استوار، محمد ج را وسیله و فضیلت و درجه رفیع عطا فرما، و او را در مقام محمود قرار بده، مقامیکه وعده آن را فرموده‌ای».

دعای وقت روبرو شدن به دشمن:

«اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِنَا وَآمِنْ رَوْعَاتِنَا»[[120]](#footnote-120).

«ای بار الها! عیب‌های ما را بپوشان و ترس ما را به امن بدل فرما».

دعای درخواست اخلاق حسنه:

«اللَّهُمَّ حْسَنْتَ خَلْقِى فَحْسِّنْ خُلُقِى»[[121]](#footnote-121).

«ای بار الها! آفرینش مرا نیکو ساختی پس اخلاق مرا نیز نیکو بساز».

دعای جنازه:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا، وَغَائِبِنَا وَصَغِيْرِنَا وَكَبِيْرِنَا، وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا. اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى اْلإِسْلاَمِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى اْلإِيْمَانِ»[[122]](#footnote-122).

«ای بار الها! زنده و مرده ما را و حاضر و غائب ما را و کوچک و بزرگ ما را و مرد و زن ما را بیامرز، بار الها! هرکه را از ما زنده نموده ای، پس زنده نگهدار او را بر اسلام، و هر که را از ما فوت ساخته‌ای پس او را بر ایمان بمیران».

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَعَافِهِ، وَاعْفُ عَنْهُ، وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ، وَوَسِّعْ مُدْخَلَهُ، وَاغْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَبْدِلْهُ دَاراً خَيْراً مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلاً خَيْراً مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجاً خَيْراً مِنْ زَوْجِهِ، وَأَدْخِلْهُ الجَنّةَ، وَأَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ النَّارِ»[[123]](#footnote-123).

«ای بار الها! او را بیامرز و بر او رحم کن او را عافیت ده، از او در گذر، مهمانی او را به عزت تمام فراهم گردان، قبر او را فراخ کن، او را به آب برف و ژاله بشوی، و او را از گناها پاک کن چنانکه پارچه ای سفید را از چرک پاک میکنی، و او را به خانه‌ای بهتر از خانه‌اش، و به اهلی بهتر از اهلش، و به همسری بهتر از همسرش عوض بده، او را به بهشت داخل گردان، و او را از عذاب قبر و عذاب آتش وارهان».

دعای برای جنازه پسر نابالغ:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا أَجْرًا وَذُخْرًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا مُشَفَّعًا»[[124]](#footnote-124).

«ای بار الها! او را برای ما توشه آخرت بگردان توشه ای از پیش فرستاده شده، و او را برای ما اجر و ذخیره گردان، و او را برای ما شفیع و مقبول الشفاعه گردان».

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطاً، وَسَلَفاً، وَأَجْراً»[[125]](#footnote-125).

«خدایا! او را برای ما میزبان و ذخیره و ثوابی قرار ده».

دعا برای جنازه دختر نابالغ:

**«**اللَّهُمَّ اجْعَلْها لَنَا فَرَطًا ، وَاجْعَلْها لَنَا أَجْرًا وَذُخْرًا، وَاجْعَلْهَا لَنَا شَافِعًا مُشَفَّعَةً»[[126]](#footnote-126).

«ای بارالها! او را برای ما توشۀ آخرت بگردان توشه‌ای از پیش فرستاده شده، و او را برای ما اجر و ذخیره گردان، و او را برای ما شفیع و مقبول الشفاعه گردان».

دعای برای علاج بی‌خوابی:

«اللَّهُمَّ غَارَتِ النُّجُومُ وهَدَأَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَنِمْ عَيْنِي»[[127]](#footnote-127).

«ای بار الها! ستاره‌ها غائب شدند، و چشم‌ها آرام گرفتند، و توی زنده و بخود پاینده،، ای زنده ای بخود پاینده، و چشم‌هایم را به خواب ببر».

دعای سجده تلاوت:

**«**سَجَدَ وَجْهِيْ لِلَّذِيْ خَلَقَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ وَبِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ، فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ**»**[[128]](#footnote-128). «چهره‌ای من ذاتی را که او را آفریده و صورت بندی نموده است سجده کرده است، ذاتی که گوش‌ها و چشم او را به قوت و توانایی خویش سوراخ نموده است با برکت است خداوند و بهترین آفریدگار است».

دعای وقت شنیدن آواز خروس:

**«**اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ**»**[[129]](#footnote-129). «ای بار الها! من از فضل و مهربانی تو سوال می‌کنم».

دعای وقت شنیدن عرعر خر:

«أَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ»[[130]](#footnote-130).

«پناه می‌برم به خداوند از شر شیطان رانده شده».

دعا برای نجات حاصل کردن از عادات و اخلاق ناپسند:

«اَلَّلهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِيْ مِنَ النِّفَاقِ وَعَمَلِيْ مِنَ الرِّيَاءِ وَلِسَانِيْ مِنَ الْكِذْبِ وَعَيْنِيْ مِنَ الخْيَانَةِ، فَاِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِيْ الصُّدُوْرِ»[[131]](#footnote-131).

«ای بار الها! قلبم را از نفاق و عملم را از ریاء و زبانم را از دروغ، و چشم‌هایم را از خیانت پاک بگردان، توی که به خیانت کردن چشم‌ها علم داری و چیزهای که در سینه‌ها پوشیده است می‌دانی».

دعا برای رفع مشکلات:

«اللَّهُمَّ لاَ سَهْلَ إِلاَّ مَا جَعَلْتَهُ سَهْلاً وَأَنْتَ تَجْعَلُ الحَزْنَ إِذَا شِئْتَ سَهْلاً»([[132]](#footnote-132)).

«ای بار الها! هیچ کاری آسان نمی‌گردد مگر آن که تو او را سهل و آسان بگردانی، و تو مشکل را اگر بخواهی آسان می‌گردانی».

دعا جهت نجات یافتن از قرض داری:

**«**اللَّهُمَّ اكْفِنِيْ بِحَلاَلِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِيْ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ**»**[[133]](#footnote-133).

«ای بار الها! احتیاجات مرا از روزی حلال پوره کن و از (خوردن) حرام مرا رهایی بخش، و از ماسوی خود بفضل و مرحمت خویش مرا بی‌نیاز ساز».

دعا برای پدر و مادر:

﴿رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرٗا﴾ [الإسراء: 24].

«پروردگارا! برای پدر و مادرم ببخشا همچنانکه مرا در خورد سالی تربیه کرده‌اند».

شش کلمه دین

اول کلمۀ طیبه:

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ مُحَمَّدَ رَسُولُ اللهِ».

«جز خداوند هیچ معبودی نیست، محمد ج فرستاده خدا است».

دوم کلمه شهادت:

«أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

«گواهی می‌دهم بر اینکه جز خداوند هیچ معبودی نیست، او یکتا است و او را هیچ شریکی نیست، و گواهی می‌دهم بر اینکه محمد ج بنده خداأ و رسول او است».

سوم کلمۀ تمجید:

«سُبْحانَ اللهِ وَالحَمْدُ للهِ وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهِ، وَاللهُ أَكْبَرُ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ»[[134]](#footnote-134).

«پاک است خداوند، همه ثنا و ستایش از آن اوست، و هیچ معبودی جز او نیست، و خداوند بزرگ است، و هیچ جای بازگشتی و قوتی جز خداوند نیست، خدا بلند مرتبه و بزرگ است».

چهارم کلمه توحید:

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌ لَا يَمُوتُ أَبَداً أَبَداً ذُو الجَلالِ والإِكرامِ بِيَدِهِ الخَيرِ وَهُوَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ».

«جز خدا هیچ معبودی نیست، او یکتا است، و او را هیچ شریکی نیست، پادشاهی از آن اوست، و ثناء و ستایش مختص ذات اوست، زنده میگرداند و میمیراند، و اوست زنده دائمی و ابدی، صاحب عظمت و بزرگی است، خیر و خوبی بید اوست، و او بر هر چیز توانا است».

پنجم کلمه استغفار:

«اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبي مِنْ كِلِّ ذَنْبٍ أذْنَبْتُهُ عَمْداً أو خطأً سراً أو علانية، وأتوب إليه من الذنب الذي أعلم، ومن الذنب الذي لا أعلم، إنَّكَ أنْتَ عَلاَّمُ الغيوبِ وستَّارُ العُيوبِ وغَفَّارُ الذُّنوبِ، وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ».

«از خدواند پروردگار خویش از همۀ گناهان که به قصد یا بخطا و پوشیده و یا آشکار انجام داده‌ام آمرزش می‌خواهم و بسوی او از همه گناهانی که می‌دانم و گناهانی که نمی‌دانم توبه می‌نمایم، ای بار الها! تو بسیار داننده امور غیبی و تو بسیار پوشاننده عیب‌های و تو بسیار آمرزنده گناهانی، و نیست هیچ جای بازگشتی و نه هم قوتی جز خداوند خدای بلند مرتبه و بزرگ».

ششم کلمه رد کفر:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ شَيْأً وَأَنَا أَعْلَمُ بِهِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لاَ أَعْلَمُ بِهِ تُبْتُ عَنْهُ وَتَبَرٌأْتُ مِنَ الْكُفْرِ والشٌرْكِ وَالْغَيْبَةِ وَالْبِدْعَةِ وَالنَمِيْمَةِ وَالْفَوَاحِشِ وَالْبُهْتَانِ وَالَمَعَاصِيْ كُلٌهَا، وَأَسْلَمْتُ وَأَقُوْلُ لَا إِلَهَ إِلاَ اللهُ محُمٌدُ رَّسُوْلُ اللهِ».

«ای بار الها! بتو پناه می‌برم از اینکه بتو چیزی را شریک بگردانم و من آن را بدانم، و از چیزهاییکه نمی‌دانم از تو آمرزش می‌خواهم از آن (همه گناهان) توبه نمودم و از کفر و شرک و غیبت و بدعت و سخن چینی و کارهای زشت، و همه گناهان بیزاری می‌جویم، و اسلام آوردم و می‌گویم: جز خداوند هیچ معبودی نیست، و محمد ج رسول خدا است».

وظیفه نهایت آسان و پر وزن در صحیفه اعمال:

«سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيْمِ»[[135]](#footnote-135).

«پاک است خداوند ثناء و ستایش مر خدای راست، پاک است خداوند بزرگ».

«الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات، وألف ألف صلاة وسلام على أفضل البريات، وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان، رضي الله عنهم ورضوا عنه».

از خوانندگان این مجموعه (اذکار صالحین) التماس دعا دارم.

اسلام آباد پاکستان

دکتور نظام الدین«نافع»

تاریخ: 10/ 2 /2008م.

فهرست مآخذ

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ش | نام کتاب | نام مؤلف |
|  | قرآن کریم |  |
|  | صحیح البخاری | محمد بن اسماعیل بخاری |
|  | صحیح مسلم | مسلم ابی الحسن ابن حجاج القشیری |
|  | سنن ترمذی | ابو عیسی محمد ابن عیسی الترمذی |
|  | سنن ابو داود | سلیمان بن الأشعث السجستانی |
|  | سنن نسائی | ابو عبد الرحمن احمد ابن شعیب النسائی |
|  | سنن ابن ماجه | ابو عبد الله محمد بن یزید القزوینی |
|  | موطا امام مالک | ابن انس الأصبحی |
|  | مسند امام احمد | امام احمد ابن حنبل |
|  | مستدرک | ابوعبدالله حاکم نیسابوری |
|  | السنن الکبری | امام بیهقی |
|  | مشکاة الـمصابیح | خطبیب تبریزی |
|  | تاریخ بغداد | خطیب بغداد |
|  | الدعاء من الكتاب والسنة | سعد بن علی القحطان |
|  | حصن المسلم | سعد بن علی القحطان |
|  | الدعاء الـمستجاب من الحديث والكتاب | الجواد أحمد عبد الجواد |

آثار علمی مؤلف

الف- آثار چاپ شده:

1. اذکار صالحین (کتاب حاضر).
2. انحرافات در دوره آوارگی و تدابیری آن.
3. اساسات استراتیژی امریکا در قضیه افغانستان (ترجمه).
4. تجوید و علوم قرآن.
5. تفسیر نافع (سوره فاتحه و پاره اخیر قرآن مجید).
6. تفسیر نافع (سوره‌های یس، الرحمن، و الملک).
7. جهاد و هجرت.
8. جهاد از دیدگاه قرآن و حدیث (به زبان دری و پشتو).
9. الجهاد في سبیل الله مفهومه والدعوة إليه (به زبان عربی).
10. حقوق طفل در اسلام.
11. روزه.
12. رهنمای حج و عمره و زیارت مسجد نبوی ج.
13. عدالت در اسلام.
14. کتاب مطالعه (ترجمه).
15. مسائل توحید از طریق سؤال و جواب.
16. میراث در اسلام.
17. سود و ضررهای آن.
18. نماز.
19. منهیات در اسلام.
20. نشانه‌های استراتیژی انکشاف اجتماعی در افغانستان (ترجمه).
21. وجوب عمل به سنت رسول اکرم ج و کفر منکر آن (ترجمه).
22. یتیم در جامعه اسلامی.
23. سیرت النبی ج (ترجمه).

ب- آثار آمادۀ چاپ:

1. تعلیم و تربیه اسلامی صنف چهارم (کتاب درسی).
2. تعلیم و تربیه اسلامی صنف پنجم (کتاب درسی).
3. الحقوق الأساسية للبشر (به زبان عربی).
4. افغانستان در گذشته و حال (ترجمه).
5. ملا على القاري الهروي محدثاً (رسالۀ دوکتوری).
6. الإمام البخاري وصحيحه (به زبان عربی).
7. العلم النافع أوصافه وآثاره (به زبان عربی).

ج- تحقیق و تدقیق بر کتب ذیل:

1. تدقیق ترجمه دری فی ظلال القرآن «شهید سید قطب».

ترجمه استاد محمد صدیق راشد سلجوقی جزء اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم.

1. تدقیق ترجمه تفسیر قرآن مجید «عبدالله یوسف علی» ترجمۀ استاد صباح الدین کشککی جلد اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم (قرآن مجید از اول تا اخیر).
2. ارکان اسلام.
3. حضرت عیسی÷ بنده خدا و رسول او.
4. حکمت شهادت.
5. داستان‌های پیامبران‡.
6. تربیه اولاد مسلمان در جوامع غیر اسلامی.
7. اسلام و شوروی.
8. نمای از نظام سیاسی اسلام.

1. - جامع البيان عن تأويل آي القرآن للإمام الطبري: 2/ 209. [↑](#footnote-ref-1)
2. - جامع البيان عن تأويل آي القرآن للطبري: 5/ 262. [↑](#footnote-ref-2)
3. - مسند امام احمد بن حنبل، کتاب ادب مفرد امام بخاری. [↑](#footnote-ref-3)
4. - مسند أبو یعلى ومستدرک حاکم، و حاکم گفته است که حدیث موصوف صحیح است. [↑](#footnote-ref-4)
5. - صحیح بخاری و صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-5)
6. - صحیح بخاری بروایت حضرت عائشهل 1 / 176. [↑](#footnote-ref-6)
7. - صحیح بخاری: 17610، و صحیح مسلم: 2191، بروایت حضرت عائشهل. [↑](#footnote-ref-7)
8. - صحیح مسلم: 2181، بروایت ابی سعید خدریس. [↑](#footnote-ref-8)
9. - صحیح مسلم: 2252، بروایت عثمان ابن أبی العاصس. [↑](#footnote-ref-9)
10. - ابو داود: 3156، و ترمذی: 2584، بروایت عبد الله ابن عباسب. [↑](#footnote-ref-10)
11. - صحیح بخاری: 10 / 153، بروایت عبد الله بن عباسب. [↑](#footnote-ref-11)
12. - صحیح بخاری بروایت عبد الله ابن عباسب. [↑](#footnote-ref-12)
13. - صحیح بخاری: 11 / 85. [↑](#footnote-ref-13)
14. - صحیح مسلم شماره حدیث: 2752، بروایت ابن یسار المزنی. [↑](#footnote-ref-14)
15. - سنن ترمذی: 2756، بروایت عبد الله بن عمرب . [↑](#footnote-ref-15)
16. - صحیح بخاری 9 / 66. [↑](#footnote-ref-16)
17. - صحیح مسلم باب فضل القراءة: 1 / 553. [↑](#footnote-ref-17)
18. - سنن ترمذی: 2877. [↑](#footnote-ref-18)
19. - صحیح بخاری: 8 / 538، و صحیح مسلم: 798. [↑](#footnote-ref-19)
20. - صحیح مسلم باب استحباب القول. [↑](#footnote-ref-20)
21. - سنن ابو داود: 1547. [↑](#footnote-ref-21)
22. - صحیح بخاری: 8 / 459، و صحیح مسلم: 456. [↑](#footnote-ref-22)
23. - صحیح مسلم باب في اسماء الله تعالى: 4 / 2062. [↑](#footnote-ref-23)
24. - أسماء الله في القرآن: ص 11-12 تألیف الأستاذ الدکتور محمد صالح علی مصطفى. [↑](#footnote-ref-24)
25. - شرح أسماء الله الحسنى: ص 183. [↑](#footnote-ref-25)
26. - جامع بيان العلم: 2 / 24، و موطأ إمام مالک: 2 / 899. [↑](#footnote-ref-26)
27. - سنن ابو داود: 1493، و سنن ترمذی: 3475، و سنن ابن ماجه: 3857، و مسند امام احمد: 5 / 31 و مستدرک حاکم: 1 / 504. [↑](#footnote-ref-27)
28. - مشكاة الـمصابيح: 2 / 208، نقل از سنن ترمذی، ابوداود، نسائی، و ابن ماجه. [↑](#footnote-ref-28)
29. - مشكاة الـمصابيح: 2 / 209، بنقل از سنن ترمذی، ابوداود، و ابن ماجه. [↑](#footnote-ref-29)
30. - مستدرک حاکم: 1 / 503-504. [↑](#footnote-ref-30)
31. - از ابو سعید رافع پسر معلیس روایت شده که گفت: رسول الله ج برایم فرمود: آیا قبل از اینکه از مسجد برآیی بزرگ‌ترین سوره ای را در قرآن برایت نیاموزم؟ سپس دست مرا گرفت و چون خواستیم که (از مسجد) بر آئیم گفتم: ای رسول خدا، فرمودی که بزرگ‌ترین سوره ای را در قرآن بتو می‌آموزم؟ فرمود: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ٢﴾ آن هفت آیه مکرر و قرآن عظیمی است که بمن داده شده است. [صحیح بخاری: 8 / 119]. [↑](#footnote-ref-31)
32. - از ابو هریرهس روایت شده است که آن حضرت ج فرمود: «خانه‌های خود را قبرستان نسازید همانا شیطان از خانه‌ای که در آن سوره بقره خوانده شود می‌گریزد». [صحیح مسلم: 785]. [↑](#footnote-ref-32)
33. - از ابی ابن کعبس روایت شده است که: پیامبر خدا ج فرمود: ای ابو منذر، آیا می‌دانی کدام آیه از کتاب خداوند که با تو است بزرگ‌تر است؟ گفتم: «الله لا إله إلا هو...» سپس به سینه‌ام زده فرمود: ای ابو منذر، علم برایت گوارا باد. [صحیح مسلم: 815]. [↑](#footnote-ref-33)
34. - از ابو مسعود بدریس روایت شده است که: آن حضرت ج فرمود: کسیکه دو آیه اخیر سوره بقره را در یک شب بخواند او را کافی و بسنده است. [صحیح بخاری: 9 / 50. و صحیح مسلم: 858]. [↑](#footnote-ref-34)
35. - از ابی ابن کعبس روایت شده است که: پیامبر خدا ج فرمود: ای ابو منذر، آیا می‌دانی کدام آیه از کتاب خداوند که با تو است بزرگ‌تر است؟ گفتم: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...» سپس به سینه‌ام زده فرمود: ای ابو منذر، علم برایت گوارا باد. [صحیح مسلم: 815]. [↑](#footnote-ref-35)
36. - در حدیثی که امام ترمذی روایت کرده است، آمده است که اگر کسی آية الکرسی و آیات اوائل (حم) را بخواند خداوند او را در همان روز از هر بدی محفوظ نگهمیدارد. مگر این روایت ضعیف است. [↑](#footnote-ref-36)
37. - مشكاة الـمصابيح: کتاب فضائل القرآن، فصل دوم. [↑](#footnote-ref-37)
38. - در حدیثی که امام ترمذی: در باب فضائل قرآن 2 / 117. روایت کرده چنین آمده است: از عبدالله بن عباسب روایت شده است که آنحضرت ج فرمود: «ثواب تلاوت سوره ﴿إِذَا زُلۡزِلَتِ﴾ به اندازه ثواب تلاوت نصف قرآن است. ثواب تلاوت سوره ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ به اندازه ثواب تلاوت ثلث قرآن است، ثواب تلاوت سوره ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١﴾ به اندازه ثواب تلاوت چهارم حصه قرآن است. [↑](#footnote-ref-38)
39. - در مسند امام احمد بن حنبل از حارث بن جبله روایت شده که گفت: گفتم: ای رسول خدا، بمن چیزی را بیاموز که آنرا هنگام خوابیدن بخوانم آن حضرت ج برایش فرمود: وقتی میخواهی شب به بستر خواب خود بخوابی سوره: ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١﴾ را بخوان زیرا این بیزاری است از شرک. [↑](#footnote-ref-39)
40. - در فضیلت این سوره، حدیثی در سنن امام ترمذی: 4 / 24 چنین آمده است: از حضرت انسس روایت شده که آن حضرت ج برای مردی از یاران خود فرمود: ای فلان، آیا ازداوج نمودی؟ صحابه در جواب گفت: نه بخدا ای رسول خدا، من چیزی ندارم که ازدواج نمایم آن حضرت ج فرمود: آیا با تو سوره: ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ نیست؟ گفت بلی هست: آنحضرت ج برایش فرمود یک سوم قرآن است.سپس آنحضرت ج فرمود: آیا با تو سوره: ﴿إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ﴾ نیست؟ صحابه گفت بلی هست: آن حضرت ج فرمود: آیا با تو سوره: ﴿إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا ١﴾ نیست؟ صحابه گفت بلی هست: آن حضرت ج فرمود: نصف قرآن است. ازدواج کن ازدواج کن. (دو مرتبه) [↑](#footnote-ref-40)
41. - هرکسی هنگام صبح و شب سه مرتبه سوره اخلاص و معوذتین را بخواند الله متعال او را از گزند همه موجودات موذی در امان میدارد. این حدیث را ابوداود، ترمذی و نسائی نقل کرده‌اند و ترمذی آن را حدیث حسن گفته است. [↑](#footnote-ref-41)
42. - در فضیلت و تلاوت سه سوره متذکره (اخلاص و معوذتین) مشکاة المصابیح: 2 / 657. از صحیح بخاری و صحیح مسلم حدیثی چنین نقل میکند که ترجمه‌اش اینست: از بی بی عائشهل روایت است که آن حضرت ج هنگامیکه به بستر خواب خود در هر شب آرام می‌گرفت هردو کف دست خود را جمع می‌نمود و سوره ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ­﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ را می‌خواند و به هر دو دست خود می‌دمید و بعداً دست‌های خود را تا اندازه که می‌توانست به جسم خود مسح می‌نمود (و در دست کشیدن) از سر و روی و جلو بدن خود آغاز می‌کرد و این عملیه را سه بار تکرار می‌نمود. [↑](#footnote-ref-42)
43. - پیامبر اسلام ج هنگام صبح می‌فرمود: «أصبحنا وأصبح...» این حدیث را ابن سنی و بزار روایت کرده‌اند و بیهقی گفته است اسناد آن خوب است. [↑](#footnote-ref-43)
44. - ابی بن کعب گفته است: رسول الله ج به ما تعلیم داده‌اند که هنگام صبح و شب این حدیث را بخوانیم. این حدیث را عبدالله بن امام احمد در کتاب زواید نقل کرده است. [↑](#footnote-ref-44)
45. - از ابن عباسب روایت است که گفت: پیامبر اکرم ج فرمود: کسی که در وقت صبح و شب این دعا را سه مرتبه بخواند اللهأ نعمت خود را بر او تمام می‌گرداند. این حدیث را ابن سنی روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-45)
46. - هر کس این دعا را در هنگام صبح بخواند شکر آن روز را ادا کرده است و هر کس هنگام شب آن را بخواند شکر آن شب را ادا نموده است این حدیث را ابو داود نسائی ابن سنی و ابن حبان روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-46)
47. - پیامبر ج فرموده‌اند: کسی که صبحگاهان و شب هنگام بگوید (رضیت بالله ربا...) خداوند تبارک و تعالی از او راضی می‌گردد و این حدیث را ابو داود و ترمذی و نسائی و حاکم نقل کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-47)
48. - از ام المؤمنین جویریه ل روایت شده که روزی در موقع نماز صبح پیامبر ج از نزد او خارج شد وقتی هنگام ظهر برگشت دید که جویریه هنوز در جای نماز خود نشسته است و ذکر میکند پیامبر ج فرمود: من چهار کلمه را سه بار تکرار کرده‌ام که هم وزن و هم پایه گفته‌های تو میباشد و آن کلمات عبارت از (سبحان الله....) [صحیح مسلم]. [↑](#footnote-ref-48)
49. - از عثمان ابن عفانس روایت است که هر کس سه بار در وقت صبح و سه بار در وقت شب این دعا را بخواند هیچ چیزی به او ضرر نمی‌رساند. این حدیث را ابو داود نقل کرده است. [↑](#footnote-ref-49)
50. - از ابو موسی اشعریس روایت است که گفت: روزی پیامبر ج ما را مخاطب قرار داده فرمود: ای مردم از شرک بترسید زیرا شرک از صدای مورچه خفیف تر است. کسی از حاضران گفت: چگونه ممکن است از چنین شرکی بر حذر بود؟ حضرت فرمودند: بگویید: «اللهم إنا نعوذبك...» احمد و طبرانی این حدیث را به اسناد خوب روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-50)
51. - هر کس شامگاه این دعا را سه مرتبه بخواند سختی‌های آن شب به او ضرری نمی رساند. احمد، نسائی، ابن سنی، ترمذی و ابن حبان این حدیث روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-51)
52. - پیامبر فرمودند: هرگاه این کلمات را صبح و شام بخوانی غمت زائل شده دینت اداء می‌گردد. [↑](#footnote-ref-52)
53. - سنن ابو داود: 5090. [↑](#footnote-ref-53)
54. - پیامبر اکرم ج این دعا را سه مرتبه صبح و سه مرتبه شب می‌خواندند. ابو داود احمد نسائی ابن سنی و بخاری در ادب المفرد این حدیث را روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-54)
55. - هر کس هنگام شب آن را با یقین بگوید و در آن شب بمیرد و یا صبح بگوید و در همان روز بمیرد به بهشت داخل شود. [صحیح بخاری]. [↑](#footnote-ref-55)
56. - پیامبر ج فرمودند: کسی که این دعا را بخواند خداوند او را می‌بخشد حتی اگر از میدان جنگ فرار کرده باشد. ابو داود و ترمذی این حدیث را روایت کرده و حاکم آن را بنا به شرط مسلم و بخاری، صحیح تشخیص داده‌است. [صحیح بخاری: 11 / 101 صحیح مسلم: 4 / 275]. [↑](#footnote-ref-56)
57. - بخاري مع الفتح: 6 / 408 . [↑](#footnote-ref-57)
58. - سنن ابن ماجه. [↑](#footnote-ref-58)
59. - صحیح بخاری: 4 / 90 و صحیح مسلم: 4 / 2071. [↑](#footnote-ref-59)
60. - سنن نسائی، عمل اليوم والليلة: ص 173. [↑](#footnote-ref-60)
61. - در وضوء جز گفتن بسم الله هیچ دعای در احادیث صحیح از آن حضرت ج ثابت نشده است. [↑](#footnote-ref-61)
62. - صحیح مسلم: 1 / 209. [↑](#footnote-ref-62)
63. - سنن ترمذی: 1 / 78. [↑](#footnote-ref-63)
64. - سنن نسائی (عمل اليوم والليلة): ص 173. [↑](#footnote-ref-64)
65. - سنن ابو داود و ترمذی. [↑](#footnote-ref-65)
66. - صحیح بخاری و صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-66)
67. - صحیح بخاری: 8 / 459، و صحیح مسلم: 456. [↑](#footnote-ref-67)
68. - صحیح بخاری و صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-68)
69. - صحیح بخاری، سنن ابوداود، سنن ترمذی و مسند امام احمد بن حنبل. [↑](#footnote-ref-69)
70. - سنن ترمذی و ابن ماجه. [↑](#footnote-ref-70)
71. - سنن ابوداود: 4 / 325. [↑](#footnote-ref-71)
72. - سنن ابن ماجه و ترمذی و نسائی. [↑](#footnote-ref-72)
73. - سنن ابوداود. [↑](#footnote-ref-73)
74. - سنن ترمذی و مسند امام احمد. [↑](#footnote-ref-74)
75. - مسند احمد و ابن ماجه، از ابی هریرهس. [↑](#footnote-ref-75)
76. - صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-76)
77. - صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-77)
78. - صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-78)
79. - سنن ابوداود و مستدرک حاکم. [↑](#footnote-ref-79)
80. - سنن ابوداود. [↑](#footnote-ref-80)
81. - مسند امام احمد و سنن ابن ماجه. [↑](#footnote-ref-81)
82. - مسند امام احمد و سنن ابن ماجه. [↑](#footnote-ref-82)
83. - سنن ترمذی و مسند امام احمد. [↑](#footnote-ref-83)
84. - صحیح بخاری و صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-84)
85. - سنن ترمذی و ابو داود. [↑](#footnote-ref-85)
86. - صحیح بخاری: 20 / 80 ، و مسلم 20 / 626. [↑](#footnote-ref-86)
87. - صحیح مسلم: 2 / 271. [↑](#footnote-ref-87)
88. - سنن ابوداود: 3 / 347. [↑](#footnote-ref-88)
89. - سنن ابوداود. [↑](#footnote-ref-89)
90. - صحیح مسلم: 3 / 126. [↑](#footnote-ref-90)
91. - سنن ابوداود: 3 / 367. [↑](#footnote-ref-91)
92. - سنن ابوداود: 2 / 306. [↑](#footnote-ref-92)
93. - صحیح بخاری. [↑](#footnote-ref-93)
94. - صحیح بخاری: 7 / 125، و مسند امام احمد بن حنبل. [↑](#footnote-ref-94)
95. - سنن ابوداود و سنن ترمذی. [↑](#footnote-ref-95)
96. - سنن ابوداود: 2 / 248. [↑](#footnote-ref-96)
97. - سنن ترمذی: 5 / 506. [↑](#footnote-ref-97)
98. - طبرانی. [↑](#footnote-ref-98)
99. - موطأ امام مالک. [↑](#footnote-ref-99)
100. - مستدرک حاکم: 1 / 646. [↑](#footnote-ref-100)
101. - سنن ترمذی و ابوداود، و نسائی. [↑](#footnote-ref-101)
102. - صحیح بخاری: 6 / 141 و صحیح مسلم: 2 / 1028. [↑](#footnote-ref-102)
103. - مسند امام احمد. [↑](#footnote-ref-103)
104. - صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-104)
105. - سنن بیهقی: 2 / 185. [↑](#footnote-ref-105)
106. - سنن کبرى بیهقی. [↑](#footnote-ref-106)
107. - مسند امام احمد: 1 / 391. [↑](#footnote-ref-107)
108. - صحیح بخاری: 7 / 158. [↑](#footnote-ref-108)
109. - صحیح بخاری: 7 / 154، و صحیح مسلم: 4 / 2092. [↑](#footnote-ref-109)
110. - سنن ابوداود: 4 / 324. [↑](#footnote-ref-110)
111. - سنن ترمذی: 5 / 529. [↑](#footnote-ref-111)
112. - ابوداود: 2 / 87. [↑](#footnote-ref-112)
113. - سنن ابوداود: 4 / 12. [↑](#footnote-ref-113)
114. - سنن ابن ماجه: 2 / 327. [↑](#footnote-ref-114)
115. - مصنف ابی شیبه: 7 / 18. [↑](#footnote-ref-115)
116. - سنن ترمذی: 5 / 524. [↑](#footnote-ref-116)
117. - مسند احمد: 4 / 403. [↑](#footnote-ref-117)
118. - سنن ترمذی: 5 /493، و مشکاة المصابیح، باب الدعوات فصل دوم. [↑](#footnote-ref-118)
119. - صحیح بخاری: 1 / 152. [↑](#footnote-ref-119)
120. - مسند احمد: و مشکاة المصابیح باب الدعوات في الأوقات فصل سوم. [↑](#footnote-ref-120)
121. - مسند امام احمد: 6 / 65. [↑](#footnote-ref-121)
122. - مشكاة الـمصابيح باب الـمشي بالجنازة فصل دوم. [↑](#footnote-ref-122)
123. - صحیح مسلم: 2 / 663. [↑](#footnote-ref-123)
124. - سنن ابوداود و نسائی و سنن ترمذی. [↑](#footnote-ref-124)
125. - صحیح بخاری کتاب الجنائز، باب قراءة فاتحة الكتاب على الجنائز. 2 / 113. [↑](#footnote-ref-125)
126. - مشكاة الـمصابيح. [↑](#footnote-ref-126)
127. - معجم کبیر طبرانی: 5 / 124، شیخ آلبانی در سلسة الأحاديث الضعيفة نقل کرده گفته است که این حدیث ضعیف است. [↑](#footnote-ref-127)
128. - مشكاة الـمصابيح. [↑](#footnote-ref-128)
129. - مشكاة الـمصابيح: باب الدعوات في الأوقات، فصل الأول. [↑](#footnote-ref-129)
130. - مشكاة الـمصابيح: باب الدعوات في الأوقات، فصل الأول. [↑](#footnote-ref-130)
131. - حکیم ترمذی و خطیب بغدادی. [↑](#footnote-ref-131)
132. - صحیح ابن حبان حدیث: 2427. [↑](#footnote-ref-132)
133. - سنن ترمذی: 5 / 560. [↑](#footnote-ref-133)
134. - صحیح بخاری. [↑](#footnote-ref-134)
135. - صحیح بخاری: 7 / 168 صحیح مسلم: 4 / 2072. [↑](#footnote-ref-135)